

۳
افق

سلاح جادویی

دی سکامبولاتور چگونه عمل می کند؟

۴
تماشا

حال ما خوب نیست

گپی با بهزاد فراهانی

۷
کوچه

هر بازوگان ۲۰ دقیقه

استفاده از اینترنت بین الملل با حضور ناظر

۷
جامعه

چشم‌هایشان

رئیس بیمارستان فارابی از کسانی که
در اعتراضات اخیر دچار آسیب چشم
و تخلیه آن شدند، سخن گفت۸
شبه‌نامه

شکست

مرکز ملی فضای مجازی

در باره نهادی که باید تعطیل شود

یادداشت روز

خط قرمز فراموش شده

مراکز درمانی نیازمند پروتکل‌های جدیدی برای
حفاظت از بیماران است

فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در تمامی نظام‌های حقوقی و اخلاقی جهان، نقش جامعه پزشکی و جایگاه پزشک به‌عنوان فردی که با سوگند حرفه‌ای متعهد به نجات جان انسان‌هاست بدون توجه به هویت، ملیت، زبان، دین، گرایش سیاسی یا موقعیت اجتماعی بیمار به رسمیت شناخته شده و مورد تأیید قرار گرفته است. این اصل بنیادین، نه تنها در اسناد بین‌المللی پزشکی بلکه در وجدان حرفه‌ای کادر درمان نیز ریشه‌ای عمیق دارد و تخطی از آن، نقض آشکار اصول انسانی و اخلاقی محسوب می‌شود.

در جریان اعتراضات اخیر، متأسفانه شاهد رخدادهایی بودیم که منجر به آسیب‌های شدید جسمی به شمار قابل‌توجهی از شهروندان بی‌گناه شد. استفاده از سلاح‌های جنگی با قدرت تخریب بالا به مرگ بسیاری از هموطنان و مجروح شدن شمار زیادی انجامید. در این شرایط، جامعه پزشکی کشور، فارغ از آنکه فرد آسیب‌دیده را معترض بداند یا مأمور نظامی، مطابق با وظیفه انسانی و حرفه‌ای خود در صحنه حاضر بوده و در مراکز درمانی دانشگاهی و دولتی بدون در نظر گرفتن منافع شخصی یا سازمانی، تمام توان خود را برای درمان بیماران به کار گرفته است.

با این حال، گزارش‌ها و شواهد متعدد نشان می‌دهد که در برخی مراکز درمانی، مداخله برخی، مانع از ابقای کامل نقش انسانی و حرفه‌ای کادر درمان شده است. این درحالی است که بر اساس اصول پذیرفته‌شده پزشکی و حقوق بشردوستانه، با ورود بیمار به مرکز درمانی، هرگونه دخالت در روند درمان تا زمان تثبیت وضعیت بیمار و انجام کامل اقدامات پزشکی، امری غیرمجاز و مغایر با موازین اخلاقی و حرفه‌ای تلقی می‌شود.

نبود شفافیت درخصوص وجود یا عدم وجود پروتکل‌های مشخص، یکی از پرسش‌های جدی افکار عمومی و جامعه پزشکی است. همچنین درخواست ثبت کامل مشخصات هویتی مجروحان در برخی مراکز درمانی، موجب ایجاد ترس و بی‌اعتمادی شده و سبب شده است که تعدادی از مصدومان از مراجعه به مراکز درمانی خودداری کنند؛ تأخیری که در بسیاری موارد به از دست رفتن فرصت درمان مؤثر و بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر انجامیده است.

مشاهده صحنه‌هایی که وجدان هر انسان آگاهی را می‌آزارد، از جمله مرگ جوانان، عزادار شدن خانواده‌ها و تخلیه چشم بسیاری از مجروحان، نشان‌دهنده فقدان یک برنامه مشخص و انسانی در تعامل میان حوزه بهداشت و درمان و نهادهای ذی‌ربط است. استفاده از ابزارهای ساچمه‌ای، نه توجیه منطقی دارد و نه از منظر انسانی، قابل دفاع است.

بدیهی است که در چنین شرایطی، ضرورت تدوین و اجرای پروتکل‌های شفاف و الزام‌آور برای تعیین حدود دخالت در مراکز درمانی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. باید به کادر درمان اجازه داده شود که وظیفه حرفه‌ای و انسانی خود را بدون فشار و مداخله انجام دهند و در مقابل، تمامی افرادی که در بروز این آسیب‌ها نقش داشته‌اند، در برابر افکار عمومی و مراجع مسئول، پاسخگو باشند. تنها در این صورت است که می‌توان از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کرد و حداقلی از اعتماد و کرامت انسانی را در جامعه حفظ نمود.

بازگشت به قدرت

نوری المالکی، مؤتلف و رفیق قدیمی ایران در یک قدمی نخست‌وزیری عراق قرار گرفت
مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق با استقبال از نامزدی المالکی
انتخاب او را تضمین‌کننده ثبات عراق دانست
تحلیل‌گران می‌گویند: روز سه‌شنبه او بر صندلی نخست‌وزیری تکیه خواهد زد
سازندگی به این تحول سیاسی پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

اتلاف اصلی شیعه در عراق موسوم به «چارچوب هماهنگی» پس از هفته‌ها گمانه‌زنی و رایزنی‌های پشت‌پرده، سرانجام نوری المالکی، نخست‌وزیر پیشین این کشور را به‌عنوان نامزد رسمی خود برای تصدی پست نخست‌وزیری معرفی کرد؛ تصمیمی که نه تنها معادلات سیاسی بغداد را وارد مرحله‌ای تازه کرده بلکه واکنش‌های داخلی و خارجی گسترده‌ای نیز به دنبال داشته است. چارچوب هماهنگی که مجموعه‌ای از احزاب و گروه‌های شیعه با سطوح مختلف نزدیک به جمهوری اسلامی ایران را در بر می‌گیرد با تکیه بر اکثریت پارلمانی خود، این انتخاب را مبتنی بر «تجربه سیاسی و اجرایی» و «سابقه اداره کشور» توصیف کرده و آن را پاسخی به شرایط پیچیده کنونی عراق دانسته است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که پیش‌تر محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر پیش‌بردار امور عراق، از نامزدی برای دور جدید نخست‌وزیری کناره‌گیری کرده و به‌طور رسمی حمایت خود را از نوری المالکی، رئیس ائتلاف دولت قانون، اعلام کرده بود. کناره‌گیری السودانی عملاً مسیر را برای تمرکز قدرت درون چارچوب شیعی هموار کرد و کفه ترازوی رقابت را به نفع المالکی سنگین‌تر کرد؛ چهره‌ای که با وجود کناره‌گیری از قدرت در سال ۲۰۱۴ هرگز از صحنه سیاست عراق خارج نشد و همواره به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی پشت‌پرده شناخته می‌شد.

| ادامه در صفحه ۳



رسانه

تخریب یا ریشه‌یابی؟

رسانه‌ها این روزها چه می‌نویسند؟

گروه سیاسی: در روزهایی که جامعه ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبه‌روست، مرور مطالب منتشرشده در رسانه‌های متعلق به جریان‌های مختلف فکری، نشان می‌دهد که اختلاف‌نظرها صرفاً به راه‌حل‌ها محدود نیست و حتی در تشخیص ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری ناراضیاتی‌ها نیز نگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی وجود دارد.

در همین چارچوب، سایت مشرق‌نیوز، رسانه نزدیک به جریان اصولگرا، روز گذشته در مطلبی ذیل عنوان «وبلاگ مشرق» به نقد اظهارات محمد عطریان‌فر و سعید معیدفر، دو تحلیلگر سیاسی و اجتماعی در گفت‌وگو با رسانه‌هایی چون اعتماد و ایبنا پرداخت. تحلیلی که بیش از آنکه در مسیر گفت‌وگوی انتقادی و بررسی استدلال‌ها حرکت کند بر تضعیف دیدگاه‌ها و بی‌اعتبارسازی تحلیلگران متمرکز است و در مجموع دچار ضعف‌های جدی در ساختار استدلال و رویکرد است. مشرق‌نیوز در این مطلب، معیدفر و عطریان‌فر را به داشتن نگاهی یک‌سویه و «سبانهامانه» متهم می‌کند و مدعی است آنان در تحلیل اعتراضات خیابانی و مشکلات اقتصادی، روایت خود را به‌عنوان حقیقتی قطعی القا می‌کنند. این درحالی است که خود این رسانه نیز به‌طور ضمنی چنین پیام می‌دهد که تنها یک قرائت از واقعیت صحیح است و هر تحلیلی خارج از این چارچوب، نادرست، مغرضانه یا تهدیدآمیز تلقی می‌شود.

بدیهی است که تحلیل سیاسی و اجتماعی نیازمند دقت، استناد و مسئولیت‌پذیری است اما این ضرورت به معنای انکار حق دیگران برای ارائه برداشت‌های متفاوت نیست. زمانی که مشرق‌نیوز هر قرائت انتقادی را ذیل عنوان «سبانهامایی» قرار می‌دهد عملاً فضای گفت‌وگو را به محیطی بسته و کهمحمل برای دگراندیشی تبدیل می‌کند. رویکردی که نتیجه آن، کاهش تنوع فکری و تضعیف امکان نقد سازنده در جامعه است. مسئله مهم‌تر آن است که مشرق‌نیوز در این تقد‌ها تقریباً هیچ اشاره‌ای به ریشه‌های عمیق مشکلات اقتصادی و اجتماعی ندارد. تمرکز اصلی این رسانه بر محکومیت اعتراضات خیابانی و برجسب زدن به آنها تحت عناوینی چون «آشوب» است؛ رویکردی که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم توجیه‌گر نادیده گرفتن مطالبات مشروع مردم و حتی تشدید برخوردهای قهری باشد. چراکه تجربه نشان داده است بی‌توجهی به زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی اعتراضات منتهی‌ا مسئله را حل نمی‌کند بلکه به بازتولید خشونت و رادیکالیسم می‌انجامد.

در همین مسیر، روزنامه کیهان نیز روز شنبه با تیتیر «۲۴۲۷ شهید نتیجه استفاده دشمن از فضای بی‌روییکر مجازی» همان روایت تکراری سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ را بازتولید کرد؛ روایتی که هر اعتراض و ناراضیاتی را محصول طراحی دشمن و «ولنگاری فضای مجازی» می‌داند. نویسنده مقاله، پلتفرم‌هایی چون اینستاگرام و تلگرام را میدان آموزش آشوبگران معرفی می‌کند و راه‌حل را در محدودسازی کامل اینترنت و بومی‌سازی پیام‌رسان‌ها می‌بیند. حتی عذرخواهی مقامات بابت قطع اینترنت و آسیب به کسب‌وکارها نیز از سوی کیهان به‌عنوان تضعیف «حکمرانی ملی» مورد حمله قرار می‌گیرد. نگاهی سطحی که همچون مشرق‌نیوز، واقعیت‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی را نادیده می‌گیرد و اعتراضات مدنی را صرفاً از دریچه امنیتی بازتاب می‌دهد. کیهان میان اعتراض صنفی و خشونت تمایزی قائل نمی‌شود و فساد ساختاری و فشار معیشتی را به گردن فضای مجازی می‌اندازد، بی‌آنکه به نقش سیاست‌گذاری ناکارآمد و ضعف مدیریتی اشاره‌ای کند.

در مقابل اما بخش قابل‌توجهی از رسانه‌های اصلاح‌طلب، مستقل و میانه‌رو کوشیده‌اند در تحلیل‌های خود روایتی متفاوت ارائه دهند. خبرگزاری‌هایی چون ایبنا و ایستنا، ریشه اعتراضات را در تورم، گسترش فقر و فشارهای معیشتی می‌دانند و تأکید می‌کنند که محدودسازی اینترنت نه امنیت می‌آورد و نه بحران اقتصادی را حل می‌کند. روزنامه‌هایی مانند مشرق و آرمان ملی نیز بر این باورند که راه برون‌رفت از ناراضیاتی‌های اجتماعی، اصلاحات اقتصادی، شفافیت، پاسخگویی و بهبود حکمرانی است نه محدودیت، سرکوب یا بستن مسیرهای ارتباطی. در نهایت، دو رویکرد کاملاً متفاوت در فضای رسانه‌ای کشور قابل مشاهده است: از یک‌سو رسانه‌های تندرو که با اولویت دادن به امنیت، نقش ناکارآمدی مدیریتی را نادیده می‌گیرند و راه را بر تحلیل‌های متفاوت می‌بندند و از سوی دیگر رسانه‌هایی که اعتراضات را بازتاب فشارهای واقعی زندگی مردم می‌دانند و فضای مجازی را نه تهدید مطلق بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست اجتماعی امروز تلقی می‌کنند.

گروه سیاسی: حوادث اخیر کشور که از اعتراضات صنفی و اقتصادی آغاز شد و با مداخلات شبکه‌های آشوب‌طلب و گروه‌های سازمان‌یافته تشدید شد، دولت را با یکی از حساس‌ترین مقاطع امنیتی، اجتماعی و مدیریتی روبه‌رو کرد. این وقایع نه‌تنها خسارات گسترده‌ای به اموال عمومی، زیرساخت‌های خدماتی و تجهیزات امدادی وارد کرد بلکه به شهادت و مجروحیت شماری از شهروندان، نیروهای امدادی و حافظان امنیت نیز منجر شد و بیش از پیش ضرورت اتخاذ یک رویکرد جامع، فعال و مسئولانه در مدیریت بحران را مطرح کرد. در چنین شرایطی، رئیس‌جمهور با تمرکز بر حضور میدانی و گفت‌وگوی مستقیم با مردم و اصناف، تلاش کرد فاصله میان دولت و بدنه اجتماعی را کاهش دهد، اعتراضات مدنی مشروع را از اغتشاش سازمان‌یافته تفکیک کند و راهکارهای عملی برای کاهش آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد. پزشک‌یکان همچنین با پذیرش کاستی‌ها، اصلاح رویه‌ها و بازنگری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و مدیریتی، نشان داد که هدف دولت صرفاً کنترل سطحی بحران نیست بلکه به دنبال ریشه‌یابی مسائل و اصلاح ساختاری برای جلوگیری از تکرار مشکلات است. هم‌زمان، مقابله با پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی خارجی، اطلاع‌رسانی دقیق درباره تلاش دشمنان برای تبدیل اعتراضات به اغتشاش و تبیین ابعاد جنگ‌شناختی، بخش دیگری از مدیریت فعال رئیس‌جمهور بود.

حضور میدانی و گفت‌وگوی مستقیم با مردم و اصناف

در «گزارش جامع کنشگری فعالانه رئیس‌جمهور پزشک‌یکان در مدیریت حوادث اخیر» که توسط پایگاه اطلاع‌رسانی دولت منتشر شده، آمده است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد رئیس‌جمهور، حضور بی‌واسطه در میدان گفت‌وگو با نمایندگان اصناف، بازاریان، اتحادیه‌ها، تشکل‌های صنفی و فعالان اقتصادی بود. این دیدارها در شرایطی برگزار شد که دشمنان تلاش داشتند، مطالبات صنفی و اقتصادی مردم را به بهانه‌ای برای ایجاد بی‌ثباتی امنیتی و اجتماعی تبدیل کنند. هدف اصلی این رویکرد، شنیدن مستقیم و بی‌واسطه دغدغه‌های اقتصادی، کاهش شکاف ارتباطی میان دولت و بدنه اجتماعی بازار و اصناف، تفکیک روشن میان اعتراض مدنی مشروع و اغتشاش سازمان‌یافته، جلوگیری از مصادره مطالبات مردم توسط شبکه‌های آشوب‌طلب و بازگرداندن اعتراضات به مسیر قانونی و گفت‌وگومحور بود. در نتیجه این تعاملات، دولت با دستور مستقیم رئیس‌جمهور، مجموعه‌ای از تصمیمات عملیاتی و فوری را در دستورکار قرار داد که از جمله آنها می‌توان به تعلیق و بازنگری برخی الزامات سامانه‌ای و رویه‌های اداری، تعلیق یا تقسیط جرایم و بدهی‌های مالیاتی اصناف آسیب‌دیده، تسهیل در صدور و تمدید مجوزهای کسب‌وکار و تشکیل کارگروه‌های ویژه برای پیگیری مستمر مشکلات بازار اشاره کرد. این اقدامات نقش مؤثری در کاهش التهاب، تفکیک صف مردم از اغتشاشگران و بازسازی نسبی اعتماد میان دولت و بدنه اصناف ایفا کرد.

دیدگاه

دشمنان نامرئی

روایت محمد مهاجری از عاملان خشم پنهان مردم

گروه سیاسی: محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا و عضو سابق شورای اطلاع‌رسانی دولت، اخیراً طی یادداشتی در خبرآنلاین پرسش مهمی را مطرح کرده است: پرسشی که به‌زعم او سال‌هاست، بی‌پاسخ مانده و کمتر کسی جرأت طرح صریح آن را دارد. مهاجری می‌نویسد: «بر فرض که همه عوامل اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ را به مجازات رساندیم. تازه موقع طرح این پرسش است که عامل اصلی و علت‌العلل آن همه خشم که ناآرامی‌ها بر بستر آن شکل گرفت، چرا باید قسر در بروند؟»

او در ادامه هشدار می‌دهد که مسئله خشم عمومی، پدیده‌ای مقطعی یا وابسته به یک اتفاق خاص نیست بلکه ریشه‌ای عمیق و انباشته دارد. به گفته او: «سال‌هاست که بر سر موضوعات کوچک و بزرگ، کف جامعه عصبانی می‌شوند. عاملان این ناراضی‌تراشی‌ها کیانند، کجایند و چه کرده‌اند؟» مهاجری توضیح می‌دهد که طیف متنوعی از تصمیم‌ها و رفتارها در سال‌های گذشته به شکل مستقیم یا غیرمستقیم این خشم را تولید کرده‌اند: «از نظارت استصوابی تا برخی سهمیه‌های ناعق کنکور بگیریم تا مخالفت با رفع فیلترینگ و رودرو قرار دادن مردم بر سر قانون به اصطلاح عفاف و حجاب.

مدیریت هماهنگ دولت و مأموریت‌محوری دستگاه‌ها

این گزارش همچنین توضیح می‌دهد که در سطح ساختاری، رئیس‌جمهور با برگزاری جلسات فشرده و تخصصی در دولت بر ضرورت مدیریت هماهنگ، منسجم و مأموریت‌محور تأکید کرده و در این چارچوب، مأموریت‌های مشخصی نیز برای وزرا و دستگاه‌های اجرایی در سه محور اصلی تعریف شد: محور اول، پاسخ به مطالبات اقتصادی و معیشتی شامل کنترل آثار روانی و واقعی بحران بر بازار، کاهش فشار بر کسب‌وکارهای خرد و متوسط و تسهیل دسترسی به منابع حمایتی و بانکی بود؛ محور دوم، جبران خسارات و بازسازی زیرساخت‌ها که شامل برآورد دقیق خسارات وارد شده به اماکن عمومی و



صنفی، برنامه‌ریزی برای ترمیم و بازسازی تجهیزات امدادی و خدماتی و تأمین منابع لازم برای بازگرداندن ظرفیت خدمات عمومی می‌شد؛ و محور سوم، تقویت هماهنگی در تصمیم‌سازی اقتصادی که با نقش‌آفرینی فعال بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، جلوگیری از تصمیمات جزیره‌ای و حرکت به سمت سیاست‌های منسجم برای کاهش التهابات عملیاتی شد. رئیس‌جمهور در این جلسات بر خروجی‌محور بودن تصمیمات و پرهیز از رویکردهای صرفاً اعلامی و لزوم پاسخ‌گویی دستگاه‌ها تأکید ویژه کرد.

رسیدگی به آسیب‌دیدگان و تعهد به جبران خسارات

در ادامه این گزارش آمده است که یکی از محورهای اساسی رویکرد دولت، تأکید بر مسئولیت‌حاکمیتی در قبال همه آسیب‌دیدگان حوادث اخیر بود. رئیس‌جمهور در مواضع رسمی خود بر ضرورت رسیدگی فوری به وضعیت مجروحان، خانواده‌های جان‌باختگان و بررسی عادلانه وضعیت بازداشت‌شدگان تأکید کرد. تفکیک میان معترضان، افراد فریب‌خورده و عوامل خشونت‌طلب، پیگیری جبران خسارات مادی و معنوی وارده به مردم و اصناف و بررسی کاستی‌های مدیریتی، اجرایی و پیشگیرانه از جمله اصولی بود که در این چارچوب دنبال شد. این رویکرد با هدف کاهش آلام اجتماعی، ترمیم سرمایه اجتماعی و تقویت احساس عدالت و مسئولیت‌پذیری دولت در افکار عمومی اتخاذ شد.

پذیرش کاستی‌ها و نگاه اصلاح‌محور

بر اساس این گزارش، رئیس‌جمهور علاوه بر مدیریت بحران بر ضرورت بررسی ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بروز ناراضیاتی‌ها تأکید کرده و در این چارچوب، پذیرش کاستی‌ها و نواقص در برخی سیاست‌ها، اصلاح فرآیندهای تصمیم‌گیری اقتصادی، بازنگری در رویه‌های اجرایی پرهزینه برای مردم و حرکت به سمت سیاست‌گذاری مبتنی بر شنیدن صدای جامعه را در دستورکار قرار داد.

تبیین نقش مداخلات خارجی و جنگ روایت‌ها

این گزارش همچنین تصریح می‌کند که در کنار رویکردهای اجتماعی و اقتصادی، رئیس‌جمهور به‌طور صریح به نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در تلاش برای تبدیل اعتراضات به پروژه آشوب و بی‌ثبات‌سازی اشاره کرده و بر همین اساس، تفکیک اعتراض مشروع از اغتشاش سازمان‌یافته، تشریح پروژه جنگ‌شناختی و روایت‌سازی دشمن و تلاش برای آگاه‌سازی افکار عمومی داخلی و خارجی را دنبال کرده است. این محور، بخشی از راهبرد دولت برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن علیه ثبات داخلی کشور بود.

دیپلماسی فعال در تبیین وقایع

در بخش دیگری از این گزارش آمده است که در عرصه سیاست خارجی نیز رئیس‌جمهور با طرح موضوع حوادث اخیر در گفت‌وگو با مقامات کشورهای مختلف از جمله روسای جمهور روسیه و ترکیه، نخست‌وزیر پاکستان و وزیر امور خارجه عراق بر مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد. هدف از این رویکرد، خنثی‌سازی روایت‌های تحریف‌شده رسانه‌های معاند، جلوگیری از مشروعیت‌بخشی به اغتشاش در مجامع بین‌المللی و دفاع از حق ملت ایران در تفکیک اعتراض مشروع از آشوب و تروریسم شهری بود. در پایان این گزارش به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره اشاره شده و آن تصریح، حمایت و تمجید رهبر انقلاب از رویکرد فعال، انگیزه و تلاش‌های رئیس‌جمهور است که به‌عنوان پشتوانه‌ای راهبردی، مسیر اصلاح، مدیریت بحران و خدمت‌رسانی دولت را تقویت می‌کند. این گزارش، مجموع اقدامات رئیس‌جمهور در قبال وقایع اخیر را به عنوان الگویی از مدیریت فعال، میدانی، چندلایه و مسئولانه معرفی می‌کند که به‌صورت هم‌زمان پاسخ‌گویی به مطالبات مشروع اقتصادی، مدیریت بحران، رسیدگی به آسیب‌دیدگان و مقابله با پروژه بی‌ثبات‌سازی خارجی را دنبال کرده است. در نهایت نیز می‌نویسد که این رویکرد با پشتوانه حمایت و تصریح رهبر انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده تلاش دولت برای عبور مسئولانه از یک مقطع پیچیده امنیتی -اجتماعی مبتنی بر گفت‌وگو، اصلاح، حضور میدانی و صیانت هم‌زمان از امنیت ملی و حقوق مردم است.

صفحه تلویزیون مثل نقل و نبات فحش می‌دهد و مسخره می‌کند». مهاجری از امامان جمعه، چهره‌های رسانه‌ای، مدعیان پیشگویی و حتی برخی نمایندگان مجلس انتقاد می‌کند و می‌گوید: «نمایندگان ۴ درصدی بدزبان و هتاک مجلس هم که جای خود دارند». مهاجری در ادامه تأکید می‌کند که مسئولان نباید فقط با معلول‌ها برخورد کنند: «آقایان مسئول! اینها پدیدآورندگان نفرت و کینه و ناراضیانی هستند. جرم اغتشاش‌گران ریشه در عملکرد اینها هم دارد. الان سراغ معلول رفته‌اید و علت را وانهاده‌اید. دشمن دوسویه بازی کرده. قبلاً به دست این تندرهای داخلی، زمینه را برای اغتشاش و قتل و تخریب فراهم کرده و زمینه آماده شده، نوکران مسلح خود را به میان مردم معترضی که حق‌شان را می‌خواهند، فرستاده و مملکت را به آشوب کشیده». به گفته او، راه‌حل ساده است ولی شجاعت می‌طلبد: «هم‌زمان با برخورد با آن عناصر اغتشاش، سراغ این کاسه‌های داغ‌تر از آتش هم بروید. گول ظاهرشان، لباس‌شان، پست‌شان و ریش‌شان را نخورید. خوارخ دوران مولا از اینها انقلابی‌تر، مقدس‌نمات، نمازش‌خوان‌تر، متشنس‌تر و... بودند. زیر لوا و عبای هر کسی قائم شده‌اند بکشائیدشان بیرون. واضح‌تر از این بگویم؟»

سلاح جادویی

دی سکامبوبولا تور چگونه عمل می کند؟

گروه بین الملل: اوایل ژانویه ۲۰۲۶ عملیات دستگیری رئیس‌جمهور ونزولا، نیکلاس مادورو، در کاراکاس با پیچیدگی‌هایی بی‌سابقه انجام شد؛ عملیاتی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، مدعی شد ارتش ایالات متحده در آن از سامانه تسلیحاتی جدید با نام «دی سکامبوبولا تور» استفاده کرده است.

ترامپ در گفت‌وگویی اختصاصی با روزنامه نیویورک پست از این سامانه به‌عنوان ابزاری نام برد که باعث شد، تجهیزات ونزولا از کار بیفتند و نیروهای آمریکایی بدون از دست دادن حتی یک جان، موفق به اجرای مأموریت شوند. او گفت: «دیسکومبوبولا تور. اجازه ندارم درباره‌اش صحبت کنم» اما تأکید کرد این سلاح توانسته پدافند هوایی و سامانه‌های راداری ونزولا را غیرفعال کند.

این اظهارات در پی انتشار گزارش‌هایی مطرح شد که نشان می‌داد، دولت بادن یک سلاح انرژی پالسی خریداری کرده و احتمالاً همان عامل «سندرم هاوانا» در کاراکاس به کار رفته است. شاهدان محلی از جمله یکی از محافظان سابق مادورو، جزئیات شب حمله را شرح دادند و گفتند: «ناگهان همه سامانه‌های راداری ما بدون هیچ توضیحی از کار افتاد». یکی از این محافظان گفت: «بعد از آن، تعداد زیادی پهباد بالای

ادامه تیتیریک

بازگشت به قدرت

معرفی رسمی نامزد نخست‌وزیری، طبق عرف سیاسی عراق، آغازگر مرحله‌ای طولانی و پیچیده از مذاکرات میان احزاب شیعه، سنی و کرد برای تشکیل دولت جدید است؛ فرآیندی که در تجربه‌های پیشین بارها ماه‌ها به طول انجامیده و گاه با بن‌بست‌های سیاسی جدی همراه بوده است. در ساختار سیاسی عراق، نخست‌وزیری به یک سیاستمدار شیعه، ریاست پارلمان به یک سنی و ریاست‌جمهوری عمدتاً تشریفاتی به یک کرد می‌رسد و همین تقسیم‌بندی، چانه‌زنی‌های گسترده‌ای را بر سر مناصب و سهم‌خواهی‌های سیاسی به‌دنبال دارد. در این چارچوب، انتخاب نوری المالکی از سوی چارچوب هماهنگی به‌معنای آغاز دور تازه‌ای از رقابت‌های درون‌شیعی و همزمان مذاکره فشرده با بازیگران سنی و کرد برای تضمین حمایت پارلمانی است.

این تحولات اما در خلأ منطقه‌ای و بین‌المللی رخ نمی‌دهد. خبرگزاری رویترز به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داده است که ایالات متحده به مقام‌های ارشد عراقی هشدار داده در صورتی که گروه‌های شیعه مسلح مورد حمایت ایران در دولت آینده حضور پررنگی داشته باشند، واشنگتن ممکن است تحریم‌هایی علیه بغداد اعمال کند؛ تحریم‌هایی که به‌گفته این منابع می‌تواند، درآمد‌های نفتی عراق را به‌طور جدی به خطر بیندازد. چنین هشدارهایی بار دیگر عراق را در میانه موازنه دشوار میان آمریکا و ایران قرار داده؛ موازنه‌ای که دولت آینده ناچار است با حساسیت بالا آن را مدیریت کند.

در انتخابات پارلمانی اخیر، ائتلاف تحت رهبری محمد شیاع السودانی با کسب ۴۶ کرسی بیشترین تعداد کرسی‌ها را به‌دست آورد اما چارچوب هماهنگی با گرد آوردن احزاب شیعه نزدیک به تهران، خود را به‌عنوان بلوک اکثریت در پارلمان ۳۲۹ نفره معرفی کرد. براساس نتایج رسمی، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی ۲۹ کرسی، گروه عصاب اهل الحق ۲۷ کرسی و سازمان بدر ۲۱ کرسی را از آن خود کرده‌اند؛ ترکیبی که در کنار دیگر متحدان شیعه، وزن تعیین‌کننده‌ای در معادلات تشکیل دولت دارد و به چارچوب هماهنگی امکان می‌دهد، نقش محوری در تعیین نخست‌وزیر ایفا کند. نوری المالکی، از چهره‌های باسابقه حزب اسلام‌گرای شیعه «دعوه»، پیش‌تر دو دوره متوالی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ نخست‌وزیر عراق بود؛ دوره‌ای که با خشونت‌های

مواضع ما پرواز کردند سپس حدود ۸ فروند بالگرد نزدیک به ۲۰ نیروی آمریکایی را منتقل کردند». به گفته این شاهد «دی سکامبوبولا تور» مستقیماً به سمت مدافعان مادورو نشانه رفت و موج صوتی بسیار شدید ایجاد کرد که باعث شد همه دچار خونریزی از بینی و حالت تهوع شوند و قادر به حرکت نباشند.

گزارش‌ها از کاراکاس حاکی است که نگهبانان باتجربه نیز تحت‌تأثیر این فناوری غیرمعمول قرار گرفتند؛ دستگاه‌ها و نمایشگرها از کار افتادند، راکت‌ها شلیک نشدند و تجهیزات کاملاً غیرفعال شدند. این پدیده با آثار شناخته‌شده سلاح‌های HPM (مایکروویو با توان بالا) بر نیمه‌رساناها همخوانی دارد؛ پرتوهای مایکروویو با شدت بالا می‌توانند بدون آسیب فیزیکی مستقیم، مدارها و تراشه‌ها را دچار قفل یا حتی سوختگی کنند.

گزارش‌ها درباره از کار افتادن پرتاب راکت‌ها در ونزولا با آثار شناخته شده سلاح‌های HPM بر نیمه‌رساناها هم‌خوانی دارد. وقتی یک پرتو مایکروویو با شدت بالا به دستگاهی برخورد می‌کند، نیازی به تخریب فیزیکی آن نیست. انرژی مایکروویو از طریق آنتن‌ها، حسگرها یا حتی شکاف‌های بدنه وارد می‌شود. سیم‌کشی داخلی دستگاه خود مانند آنتن

فرقه‌ای، درگیری‌های سیاسی با جریان‌های سنی و کرد و تنش‌های گسترده با ایالات متحده همراه شد. پایان دوران نخست‌وزیری او هم‌زمان با گسترش ناگهانی نفوذ گروه «دولت اسلامی» در سال ۲۰۱۴ و تصرف بخش‌های وسیعی از خاک عراق بود؛ رخدادی که به کناره‌گیری او از قدرت انجامید، اما نفوذ سیاسی‌اش را از میان نبرد. المالکی در سال‌های بعد، با حفظ رهبری ائتلاف دولت قانون و روابط نزدیک با جریان‌های مورد حمایت ایران، جایگاه خود را به‌عنوان یکی از تصمیم‌سازان اصلی سیاست عراق تثبیت کرد.

در مقابل، بازگشت احتمالی المالکی با مخالفت‌هایی به‌ویژه از سوی احزاب اهل تسنن روبه‌رو شده است. محمد الحلبوسی، رئیس حزب «تقدم»، در واکنشی صریح نسبت به آنچه «بازگشت به روزهای سخت و دردناک» خواند، هشدار داد و خواستار توجه به اصل «موافقت ملی» شد. این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که بخشی از جامعه سیاسی عراق، تجربه گذشته المالکی را عامل تشدید شکاف‌های فرقه‌ای می‌دانند و نسبت به تکرار آن نگران هستند. با این حال، ائتلاف دولت قانون تأکید دارد که نامزدی المالکی از «اتفاق‌نظر و موافقت ملی» برخوردار است و می‌تواند، بستری برای ثبات سیاسی فراهم کند.

در سوی دیگر، واکنش‌ها در میان احزاب کرد و برخی جریان‌های سنی معتدل‌تر بوده است. مسعود بارزانی، رهبر

عمل کرده و سیگنال را دریافت و به جهش ولتاژی عظیم تبدیل می‌کند.

هولناک‌ترین جزئیات عملیات مربوط به تأثیر سلاح بر بدن انسان بود. شاهدان از «موج صوتی شدید» خبر دادند درحالی که هیچ بلندگویی دیده نمی‌شد. این اثر تقریباً قطعاً ناشی از «اثر شنیداری مایکروویو» است که نخستین بار در سال ۱۹۶۱ توسط عصب‌شناس آلن اچ. فری شناسایی شد. انرژی RF پالسی به سر انسان می‌رسد و باعث گرم شدن بسیار جزئی بافت مغز می‌شود که در حد میلیونیم درجه است. این گرمایش ناگهانی منجر به ایجاد موج فشاری درون جرمه می‌شود که حلزون گوش، آن را به‌صورت صدا پردازش می‌کند و می‌تواند سرگیجه، تهوع و حس «اترکیدن سر» ایجاد کند. جیمز سی. لین در مرور جامع خود در سال

حزب دموکرات کردستان عراق، ضمن استقبال از نامزدی نوری المالکی اعلام کرده از او در مسیر کنار گذاشتن اختلافات و عبور از چالش‌های کشور حمایت خواهد کرد. مثنی السامراپی، رئیس ائتلاف العزم نیز بر ضرورت حرکت در چارچوب قانون اساسی و یکپارچه‌سازی مواضع ملی برای تضمین ثبات عراق تأکید کرده است؛ مواضعی که می‌تواند نشانه‌ای از تمایل بخشی از بازیگران غیرشیعه به تعامل عملگرایانه با گزینه پیشنهادی چارچوب هماهنگی باشد.

کارشناسان سیاسی معتقدند، انتخاب نوری المالکی بیش از آنکه صرفاً یک تصمیم داخلی باشد، بازتاب‌دهنده تلاش جریان‌های اصلی شیعه برای تثبیت قدرت در شرایط پیچیده پس از انتخابات است. با کناره‌گیری السودانی، این پیام به‌وضوح مخابره شد که اولویت چارچوب هماهنگی، تکیه بر تجربه و مدیریت آزموده‌شده است نه آزمون گزینه‌های جدید. رسانه‌های بین‌المللی نیز این انتخاب را نشانه‌ای از ترجیح ثبات نسبی بر تغییرات ساختاری عمیق ارزیابی کرده‌اند؛ به‌ویژه در شرایطی که عراق با چالش‌های امنیتی، اقتصادی، فشارهای خارجی و مطالبات گسترده مردمی روبه‌رو است.

با این حال، گذشته المالکی همچنان سایه‌ای سنگین بر آینده سیاسی او انداخته است. دوره نخست‌وزیری او با انتقادات گسترده اقلیت‌های سنی و کرد همراه بود و همین مسئله باعث شده، بازگشتش به‌شدت قطبی‌کننده تلقی شود. افزون بر این، دولت آینده عراق ناچار است ده‌ها گروه مسلح نزدیک به تهران را مدیریت کند؛ گروه‌هایی که اغلب بیش از دولت مرکزی به رهبران خود پاسخگو هستند و واشنگتن نیز انحلال یا مهار آنها را شرطی اساسی برای همکاری می‌داند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، بازگشت احتمالی المالکی تفسیرهای متعددی را برانگیخته است. برخی آن را تلاشی برای ایجاد ثبات و تعامل عملگرایانه با بازیگران جهانی می‌دانند و به تجربه او در مدیریت گفت‌وگوهای حساس از جمله نخستین نشست رسمی ایران و آمریکا در عراق طی دوران نخست‌وزیری‌اش اشاره می‌کنند. در مقابل، منتقدان معتقدند چالش‌های پیش‌روی دولت آینده، از فشارهای خارجی گرفته تا نارضایتی‌های اجتماعی، بسیار عمیق‌تر از آن است که صرفاً با تکیه بر تجربه گذشته حل شود.

در مجموع، معرفی نوری المالکی به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری عراق را می‌توان نشانه‌ای از تمایل نخبگان سیاسی شیعه به مدیریت بحران‌ها از مسیر آشنای تجربه و توازن‌سازی دانست؛ تصمیمی که هم‌زمان پرسش‌های جدی درباره توان ائتلاف حاکم برای پاسخگویی به مطالبات مردمی، کاهش شکاف‌های فرقه‌ای و ارائه یک گفتمان سیاسی فراگیر در عراق امروز مطرح کرده است.



۲۰۲۱ توضیح می‌دهد که این اثر قابل تنظیم است و نرخ تکرار پالسی مشخص می‌تواند هم صدای خیالی تولید کند و هم سامانه دهلیزی را بیش‌ازحد تحریک نماید.

به گفته خبرنگاران و شاهدان محلی، بازداشت مادورو نه‌تنها به لحاظ سیاسی غافلگیرکننده بود بلکه جزئیات عملیات، شباهتی بی‌سابقه به داستان‌های علمی-تخیلی داشت؛ نگهبانان بی‌حرکت روی زمین افتاده و دچار حالت تهوع و درد شدید شده بودند، تجهیزات کاملاً از کار افتاده و فسادوری مدرن ونزولا به‌طور ناگهانی بی‌اثر شده بود. این رویداد نشان داد که ورود فناوری‌های نوین انرژی پالسی و سلاح‌های مایکروویو می‌تواند، میدان نبرد را به شکلی غیرقابل پیش‌بینی تغییر دهد و عملیاتی پیچیده را بدون درگیری مستقیم و تلفات انسانی امکان‌پذیر کند.

اروپا

گرینلند در آستانه جنگ؟

ماجرای عجیب قطعی برق

کاربران رسانه‌های اجتماعی با اعلام قطعی برق در «نووک» پایتخت گرینلند، گمانه‌زنی‌هایی درباره نزدیک بودن حمله آمریکا به این جزیره خودمختار تحت کنترل دانمارک را منتشر کرده‌اند. «نویکیسورفیت» شرکت خدمات عمومی دولتی گرینلند که مسئول تولید و توزیع برق در این جزیره است در مطلبی در فیس‌بوک نوشت: «به دلیل یک نقص فنی، قطعی برق در سراسر شهر اتفاق افتاده است. شرکت در حال تلاش برای بازگردانی برق به شبکه توزیع با استفاده از ژنراتور اضطراری است». به نوشته روزنامه هندوستان تایمز، چند مطلب دیگر نیز مدعی شدند که یک قطعی برق در نووک رخ داده است. روزنامه محلی گرولند پولیتی نیز در پستی در فیس‌بوک نوشت: «یک قطعی برق در نووک، پایتخت گرینلند رخ داده است. تلفن‌های پلیس ممکن است دچار قطعی شده باشد. شهروندان می‌توانند با شمارهای اضطراری تماس بگیرند. اگر تلفن همراه در اثر قطع برق آسیب دیده باشد، شهروندان می‌توانند در صورت نیاز به کمک پلیس، شخصاً از کلانتری محل استعلام کنند». مطالب مشابهی هم در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) منتشر شد: «معیارها کاهش قابل‌توجه اتصال به اینترنت در گرینلند را نشان می‌دهند که تأثیر زیادی بر پایتخت داشته است». این حادثه درحالی رخ می‌دهد که گزارش‌هایی مبنی بر قطع برق در سراسر شهر به علت نامعلوم منتشر شده است. کاربر دیگری نوشت: «برق در سراسر نووک، گرینلند قطع شده است. شهر کاملاً در تاریکی فرو رفته است». یک کاربر دیگر نیز نوشت: «برق شهر نووک، گرینلند همین الان قطع شد. به‌نظر می‌رسد که برق کل شهر قطع شده است، هنوز توضیحی داده نشده است. به احتمال زیاد به دلیل وزش باد شدید تا ۵۰ متر بر ثانیه است». درحالی که کاربر دیگری نوشت: «نووک. شهر دچار خاموشی شده است. این اتفاق قبلاً یک بار در کولاک چند سال پیش رخ داده بود اما در کولاک. الان هوا صاف است». کاربر دیگر رسانه‌های اجتماعی نیز نوشت: «برق در نووک گرینلند قطع شده است. این وضعیت باعث شده تا مردم نسبت به حمله آمریکا نگران باشند. واقعاً وحشتناک است».



گزارش

دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها عنوان کرد

آسیب به
پیش از ۵۰ کتابخانه



نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از آسیب‌گسترده به مراکز کتابخانه‌ای کشور در جریان حوادث دی ۱۴۰۴ خبر داد و گفت: «در حوادث اخیر، بیش از ۵۰ کتابخانه عمومی در نقاط سارات شدند که از این میان، شامل از چرخه خدمات‌رسانی

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، آزاده نظربلند، مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، بیان کرد: «تخریب کتابخانه، تخریب ریشه دانایی و گفت‌وگو در جامعه است. این آسیب‌ها نه تنها ساختمان‌ها، بلکه پیوند فرهنگی مردم را هدف گرفته‌اند و تاوان اصلی را کودکان، نوجوانان و مستأقان دانشی خواهند داد که کتابخانه را بنایه فرهنگ خود می‌دانستند».

او «جدی‌ترین و دردناک‌ترین» مورد آسیب‌ر مربوط به کتابخانه عمومی محدبیه شهرستان بروج در استان چهارمحال و بختیاری دانست و گفت: «این کتابخانه میراثی ارزشمند با قدمت بیش از پنج دهه است که در سال ۱۳۴۹ شمسی به همت یکی از نوادگان مرجع عالی قدر آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج سیدمحمد حسینی متقی نجفی، وقف فرهنگ شد و از سال ۱۳۹۳ به‌عنوان بخشی از شبکه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور فعالیت داشت». به گفته دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در این مرکز بیش از ۱۲ هزار نسخه کتاب نگهداری می‌شد که شامل نسخ خطی نادر، چاپ‌های سنگی، گراوری، دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های معتبر عربی و فارسی و همچنین مجموعه‌ای از چاپ‌های مهم از جمله کتب معتبر اهل سنت مانند «صحاح‌سته» بود که از مراکز علمی جهان اسلام در لبنان (بیروت)، مصر (قاهره) و عراق (نجف و بغداد) چاپ و جمع‌آوری شده بودند. نظربلند تأکید کرد: «این کتابخانه به‌مثابه گنجینه‌ای ملی بود که در جریان آشوب‌ها، متأسفانه بخش نسخ خطی، نشریات، منابع کودک و آموزشی کاملاً در آتش از بین رفت».

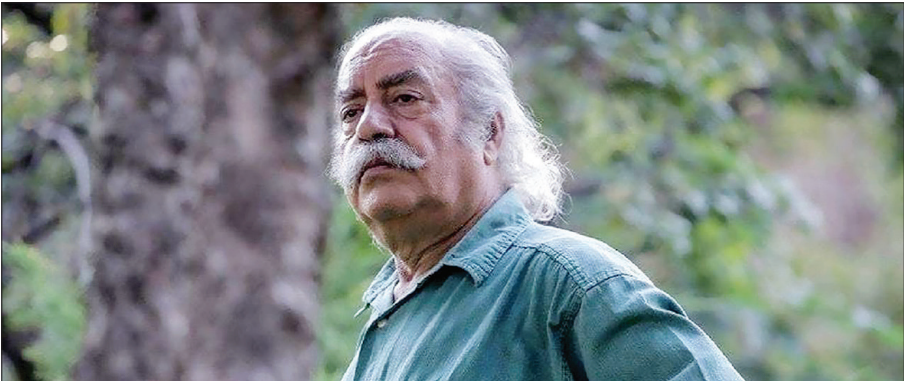
او هم چنین از کتابخانه عمومی فردوسی شهر سورشجان در استان چهارمحال و بختیاری یاد کرد و افزود: «این کتابخانه با دارا بودن ۳۰ هزار جلد کتاب و ۷۰۰ عضو فعال، از جمله مراکز پر مراجعه منطقه بود که در حادثه اخیر، بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های خود را از دست داد». نظر بلند همچنین با اشاره به وضعیت کتابخانه عمومی مصلی آیت‌الله اعرافی شهرستان ممبد در استان یزد، بیان کرد: «این مرکز فرهنگی با بیش از ۷ هزار جلد کتاب و ۵۰۰ عضو فعال در جریان آتارامی‌ها دچار حریق شد. عمده کتاب‌های آسیب‌دیده شامل منابع آموزشی و کمک‌آموزشی بودند که برای استفاده دانش‌آموزان و آینده‌سازان ایران گردآوری شده بودند. سوختن این منابع در ممبد که با همت خیران فرهنگ‌دوست آمده شده بود، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به قشر دانش‌آموز منطقه است که در آستانه امتحانات و نیاز مبرم به منابع درسی، دسترسی برابر به امکانات آموزشی را با مشکل مواجه کرده است».

او با ابراز تأسف نسبت به خسارات وارده، گفت: «تخریب و آسیب‌های گسترده در این کتابخانه‌ها طیف وسیعی اعم از آتش زدن کامل، شکستن شیشه‌ها، تخریب اموال، سرقت تجهیزات و آسیب جدی به زیرساخت‌ها و منابع کتابخانه‌ای را شامل می‌شود».

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در پایان
بیان کرد: «مجموعه نهاد با تمام توان در حال ارزیابی
وضعیت و برنامه‌ریزی برای بازسازی سریع این مراکز
فرهنگی است تا کتابخانه‌ها بار دیگر به‌عنوان مأمین
اندیشه، تعامل و هم‌دلی مردم، احیا شوند. امیدواریم
کشورمان هیچ‌گاه دچار این اتفاقات ناگوار نشود و با
اتحاد و وفای ملی، بتوانیم مسیر توسعه فرهنگی را با
سرعت بیشتری طی کنیم.»

حال ما خوب نیست

گپی با بهزاد فراهانی در سالروز تولدش



انحراف در سینمای ایران

بهزاد فراهانی در پیش از ۳۰ فیلم سینمایی و نزدیک به ۲۰ سریال تلویزیونی بازی کرده است اما این روزها مانند سایر اهالی هنر، علاقهای به سینما و سریال نشان نمی‌دهد: «فیلم نمی‌بینم. فیلم‌های ایرانی را دوست ندارم. از زمان کنار کشیدن تقوایی و بیضایی و مهرجویی سینمای ایران منحرف شده». او در سال ۱۴۰۰ یک فیلم سینمایی به‌نام «مهمانی از کارائیب» را ساخت. فیلم داستان خیاطی ماهر است که عاشق زنی شده که همسرش را اعدام کرده‌اند. رضا بابک، بیوک میرزایی، شقایق فراهانی، کامران تقفی و رامین ناصرنصیر بازیگران این فیلم هستند که البته سه سال فرصت اکران پیدا نکرد: «فیلم خودم (مهمانی از کارائیب) را سه سال توقیف کردند و حالا که آزاد شده، میدان و مجالسی برای اکرانش وجود ندارد، چون می‌گویند این فیلم مردم را نمی‌خنداند».

بهباد فراهانی سه فرزند دارد که هر سه آنها دستی بر هنر دارند: «از (بچه‌ها بخیرم و گاهی حالشان را می‌پرسم)». با این حال طی هفته‌های گذشته خبری از جانب او منتشر شد که عجیب به‌نظر می‌رسید: اینکه گلشیفته، دختر کوچک‌ترش به ایران بازمی‌گردد. فراهانی در این رابطه گفت: «آن حرف اصلاً ربطی به ما نداشت و برآمده از یک تفکر رسانه‌ای بود. گلشیفته مانند دیگر آرتیست‌هایی که از ایران رفته‌اند، نمی‌تواند برگردد».

ما برای پول نیامدیم

فراهانی که با بازیگران و کارگردانان و نمایش‌نامه‌یوسان بهنام تاتار است، از عشق‌اش به این هنر هم گفت: «ما با اندیشه و تفکر پول ساختن به میدان نیامدیم. ما آمدیم تاتار کار کنیم و یک چندرغاز هم از تلویزیون می‌گرفتیم تا بتوانیم تاتار را ادامه بدهیم». او اضافه کرد: «تتها کاری که توانستم در این مدت انجام بدهم این بود که با کمک همسر، تمام مجموعه آثار منتشر شد. تمام نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها را نشر گویا منتشر کرده‌است».

بیضایی! حیف شد

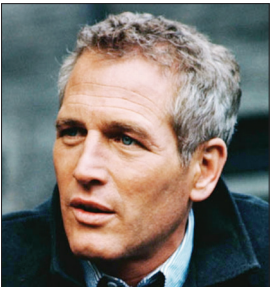
«بیضایی و تقوایی واقعاً حیف شدند اما برای من بیضایی یک غم بزرگتری داشت. چون ما فیلسوف در فرهنگ و هنرمان در صدسال اخیر نداشتیم. کسی که در ادبیات و هنر و فرهنگ، بزرگ ما و پیشگامان بود. به قول همسرم فردوسی زمان بود. سایه و بیضایی نبودشان پهلوی فرهنگ ایران را خالی می‌کند و جای زخم این نبودن عمیق و کاری است. تقوایی هم حیف شد مانند پوراحمد. متأسفانه آنقدر غصه روی سرمان ریخته که نمی‌دانیم به کدام توجه کنیم». و این حرف پایانی مردی بود که در روز تولد هشتاد و یک‌سالگی‌اش کماکان عطش حضور روی صحنه را داشت و قلبش برای هنر ایران می‌تپید.

[illegible]

گزارش: سینمای جهان

عصیان یک ستاره

فیلمی که پل نیومن از آن متنفر بود



تحمیل می‌کرد.
یج بود؛ زمانی که
شبهه کالا با آنها
بازیگران را در هر
ی اگر کاملاً برای
از این وضعیت به
صول سال ۱۹۵۹
نیومن نقش یک
کرد که می‌خواهد
ی که در نهایت به
خصی و سنگین
شد و سه نامزدی
تک لحظات آن
ت وارنر برادرز به
کند، از آن بدش
کنی این است که
یش کار می‌کنی،

مرانه بود، اگر در تهران (دست کم پنج‌شنبه شب فراخوان در برخی محلات) حضور معترضان خانوادگی بود و اگر در جنوب شهر تهران حضور کم و بیش زنان محجبه در میان معترضان به چشم می‌آمد، اعتراضات در مشهد خصالتی کاملاً متفاوت داشت. اولاً شاید گسترده‌ترین حضور خیابانی در مشهد شکل گرفت. بنا بر گزارش‌های غیررسمی سراسر بلوار وکیل‌آباد بر از جمعیت بود. دوم این که اگرچه فضای اعتراض به تهلیی معنادار نیست، اما ترکیب معترضان به اضافه مکان به اعتراضات مشهد خصالتی فرهنگی و اجتماعی داده بود. سوم این که بنا بر گزارش‌های غیررسمی بیش‌ترین فراوانی نوجوانان و دانش‌آموزان دیرستانی در اعتراضات مشهد دیده می‌شود. اگرچه در میان شعارهای مشهدی‌ها با دیگر شهرها تفاوت معناداری دیده نمی‌شود و همان شعارهای سلبی و حمایتی مرسوم تکرار شده است، اما ترکیب نسلی آن را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اقتصادی توضیح داد. ترکیب معترضان و مکان اعتراضات نشان می‌دهد که دغدغه اقتصادی به تهلیی موتور محرکه اعتراضات مشهد نیست. فضای فرهنگی مشهد در سال‌های مختلف به دلیل نوع نگاه خاص مقامات استان و هم‌چنین تسلط نپروهای سیاسی متمایل به جریانی خاص در مدیریت فضاهای شهری وضعیتی ویژه دارد. برخی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری که در شهرهای دیگر اموری طبیعی به شمار می‌روند در مشهد ممنوع هستند. این‌ها شاید در میان سالان و کهن‌سالان طبیعی با دست کم کم‌اهمیت تلقی شوند، یا حتی برای برخی شان آرامانی ایدئولوژیک به شمار بیاید، اما پیامدش برای نسل جوان احساس خفگی فرهنگی و اجتماعی است. زیرزمینی شدن برخی تفریحات و پیوند با برخی ناهنجاری‌ها، وندالیسم و شورش‌های نوجوانان و جوانان و در حوزه فرهنگ میزان رشد هنر زیرزمینی نسبت به شهرهای دیگر از پیامدهای این احساسات است. نمونه آشکار نشان می‌دهد که انتخاب سیاست‌های سخت‌گیرانه در برابر مطالبات مردم پربراهه است. در شهری که هم از فضای مذهبی با وجود آرامگاه امام رضا (ع) برخوردار است و هم از فضای ملی به خاطر وجود آرامگاه فردوسی، چنین رخدادهای هشدار است بزرگ که نادیده گرفتنش با تقلیل آن به وجود گروه‌های کوچک تروریستی در آینده کشور را با موه‌های سهمگین‌تری مواجه خواهد کرد.

خود کماکان افتخار می‌کردند اما از وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران رضایت نداشتند و نسبت به مواردی هم چون محدودیت‌ها در سبک زندگی، نحوه اداره کشور، فقر و گرانی و تبعیض‌ها انتقاد داشتند. گفت‌وگوهای ما با نوجوانان دهه هشتادی‌ها در طول سه سال انجام شده است و در طول سه سال تأثیر هیجانات و حتی پروژه‌های رسانه‌ای و حوادث سیاسی به وضوح در تغییر نگرش آنان پیدا بود. یکی از مواردی که تحت تأثیر این وقایع تغییر می‌کرد گرایش آنان به شخصیت‌های سیاسی بود. اگرچه در گزارش نهایی اسم اشخاص را حذف کردم و در قالب مقوله‌های گرایش سیاسی طبقه‌بندی کردم، اما تأثیر انتخابات ریاست جمهوری را به وضوح در بالا و پایین شدن برخی چهره‌های سیاسی دیدم. هم‌چنان که تأثیر فعالیت‌های بیرون از کشور را نیز می‌توانستم ببینم. با این حال به‌رغم این بالا و پایین شدن‌ها در پاره‌ای از موارد، ثابت در برخی از موضوعات نیز آشکار بود. تغییرات خانواده ایرانی که پیش‌تر به آن اشاره شد، در چارچوب پیوند عاطفی و رضایت آنان از خانواده و حمایت اجتماعی خانواده از آنان قابل صورت‌بندی است. با این حال در کنار این پیوند عاطفی که به افزایش مرجعیت نهاد خانواده (به‌عنوان تنها نهاد اجتماعی در ایران که بیش از ۵۰ درصد تأثیر دارد) در کنار فاصله نوجوانان دهه هشتادی‌ها موضوعی قابل بحث است که می‌توان از آن به عنوان الگارسازی نسلی نام برد. به‌زمانی این الگارسازی نسلی و پیوند عاطفی با خانواده به وضعیتی متناقض انجامیده است که وقتی با مسائل و مشکلات دیگر ترکیب می‌شود، در تصمیم‌گیری‌های این نسل تأثیرگذار می‌شود، چنان‌که در اعتراضات دی ۱۴۰۴ منجر به حذف موقت مطالبات دهه هشتادی‌ها دست‌کم در شعارها شد.

شاید وضعیت اقتصادی در اغلب شهرها باعث شده بود که دهه هشتادی‌ها حضوری متمایز نداشته باشند. وضعیت اقتصادی باعث فشارهای چندگانه بر دهه هشتادی‌ها شده است. نازک سو اقتصاد خانواده، در زندگی آن بخش از این نسل که وابستگی اقتصادی به خانواده دارند، تأثیر مستقیم گذاشته است. از سوی دیگر حتی اگر وابستگی مستقیم بر کار نباشد، دیدن وضعیت اقتصادی خانواده به فشارهای عاطفی می‌انجامد. افزون بر همه این‌ها، بخشی از این نسل به طور مستقیم درگیر موضوع است. بیکاری را که یکی از مهم‌ترین عوامل محرک اعتراضات می‌توان برشمرد، در میان دهه هشتادی‌ها دو برابر نرخ عمومی کشور است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی در ایران $40/8$ درصد است، اما این میزان در میان افراد زیر ۲۴ سال به $23/8$ درصد می‌رسد. بر اساس همین آمار نرخ بیکاری عمومی در ایران $7/4$ درصد ذکر شده است، در حالی که نرخ بیکاری بین دهه هشتادی‌ها 19 درصد است. بین زنان دهه هشتادی این رقم به $31/5$ می‌رسد و در حالی که نرخ بیکاری شهری $7/9$ درصد است، برای این گروه سنی $20/1$ درصد است. علل و دلایل فوری شکل‌گیری اعتراضات دی ۱۴۰۴ شاید به وضعیت پس از جنگ برگردد. جنگ افزون بر تأثیرات نظامی و اقتصادی، نوعی ترومای جمعی ساخت که به رغم هشدار برخی متخصصان به آن توجه نشد و درمان نشد.

عامل مؤثر دیگری که نباید فراموش کرد، جنگ ۱۲ روزه است. جنگ ۱۲ روزه در کنار خرابی‌ها و زیان‌های اقتصادی و تأثیرات سیاسی، بر روان مردم و به‌ویژه نسل جوان تأثیر گذار بود. بسیاری از مردم انتظار داشتند حاکمیت بلافاصله پس از جنگ تغییرات چشمگیری را آغاز کند. مقابله واقعی با فساد سیستماتیک، تغییر سیاست خارجی، گشایش‌های فرهنگی و اجتماعی و نوسازی چهره اداره کشور از جمله این مطالبات بود. این انتظارات از نظر مردم برآورده نشد و برخی اقدامات دولت نیز چندان چشمگیر نبود که مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در آستانه اعتراضات هم‌زمان که قیمت دلار به‌طور روزافزون بالا می‌رفت و قیمت کالاها افزایش می‌یافت، تصور عموم این بود که شعارهای ملی‌گرایانه و مهدلی و همراهی‌های زمان جنگ نیز خیلی زود فراموش شده و مدیران به تنظیمات اولیه برمی‌گردند.

همه این‌ها باعث شد که در این دوره از اعتراضات به‌ویژه پس از فراخوان‌ها به‌رغم حضور ده هشتادی‌ها، مطالبات نسلی آنان در شعارهای برجسته شده، حل شود و تمایز نسلی نداشته باشد. انحلال مطالبات نسلی به‌رغم حضور بر تعداد این نسل در برخی از شهرها می‌تواند نشانه اولویت‌بندی سیاسی تازه و ظهور وضعیتی جدید باشد. این نشانه وقتی اهمیت پیدا می‌کند که در نمونه‌ای استثنایی از نحوه حضور ده هشتادی‌ها در اعتراضات مشهد تامل کنیم.

نمونه استثنایی مشهد

در میان شهرهای بزرگ، مشهد خیلی زود به اعتراضات پیوست و اعتراضات و ویژگی‌های نمادینی دارد که درخور توجه است. شاید برای بسیاری این ویژگی نمادین برآمده از ویژگی‌های سیاسی و مذهبی مشهد باشد، اما به نظر من حذف مطالبات این نسل به‌رغم حضور پرتعداد دهه هشتادی‌ها در این اعتراضات و به‌رغم وجود الیگارشی نسلی است.

اگر در شهرهای حاشیه زاگرس حضور مردم غیرنسلی و تقریباً

[illegible]



شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره‌بردار نفت و گاز مسجدسلیمان (مهامی)

ششامه آگهی: ۸۲۱۰۹۰۵

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی (ارزیابی کیفی معمولی)

شرکت بهره‌بردار نفت و گاز مسجدسلیمان در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۰۰۵۱ مربوط به تکمیل ساختمان کنجینه تاریخی موزه صنعت نفت مسجدسلیمان (موزه بی‌بی) فراخوان شماره ۱۹۲۰۰۹۳۹۸۴۰۰۲۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.

الف- شرح مختصر خدمات

تکمیل ساختمان کنجینه تاریخی موزه صنعت نفت مسجدسلیمان (موزه بی‌بی)

ب- محل اجرای خدمات: شرکت بهره‌بردار نفت و گاز مسجدسلیمان مدت انجام کار: ۸ ماه

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما: ۲۱۷,۷۰۵,۹۲۱,۹۳۴ ریال

د- الزامات و شرایط مناقصه (مدارک ذیل باید در پاکت استعلام ارزیابی کیفی بازرگاری و ارسال شوند):

- گواهی‌نامه معتبر تعیین صلاحیت انجام کار صادره از سازمان برنامه و بودجه کشور
- حداقل پایه ۵ تأسیسات و تجهیزات از سازمان برنامه و بودجه
- پایه یک مرمت یا معماری از سازمان برنامه و بودجه
- اساسنامه شرکت/آگهی تأسیس شرکت / آخرین تغییرات شرکت در روزنامه رسمی / آگهی آخرین تغییرات ثبتی دارندگان امضا مجاز معتبر مناقصه گر
- سایر مدارک درج شده در دفترچه استعلام ارزیابی کیفی
- ر- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (قرارداد راجع کار):
- نوع تضمین: ضمانتنامه بانکی در زمان ارائه پاکت الف، ب و ج

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

ه- محل و مهلت دریافت اسناد

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میگردد ظرف مهلت مقرر جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی (صرفا مدارک قید شده در پاکت استعلام ارزیابی کیفی ویژه مناقصات ساده- محدود به بند ۱۱ الف آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات) بصورت همزمان، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir اقدام نمایند.

۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیرحضوری) از ساعت ۱۰۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ لغایت ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

۲- مبلغ خرید اسناد: پرداخت مبلغ ۸۴۰,۰۰۰ ریال از طریق درگاه پرداخت الکترونیکی موجود در سامانه به نشانی www.setadiran.ir

ضمنا متقاضیان باید حداکثر ظرف مدت ذیل مدارک مورد نیاز را مطابق با اطلاعات و شرایط قید شده در آگهی مناقصه یا مفاد استعلام ارزیابی، از طریق سامانه (ستاد) در پاکت پاسخ استعلام ارزیابی بارگذاری نمایند. بدیهی است مناقصه گزار حق را برای خود محفوظ می‌دارد به مدارکی که مطابق شرایط مندرج در متن آگهی یا استعلام ارزیابی تنظیم یا ارائه نشده باشند ترتیب اثر نداده یا مردود اعلام نماید.

و- محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها

متقاضیان مکلفند پیشنهاد (پاسخ استعلام ارزیابی کیفی) خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ به صورت الکترونیکی از طریق سامانه (ستاد) تسلیم نمایند. ضمنا پاکت پاسخ استعلام ارزیابی ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ گشایش می‌گردد پس از تعیین صلاحیت بصورت دعوتنامه از طریق سامانه (ستاد) ابلاغ خواهد شد.

• www.shana.ir <http://eps.mporg.ir> www.mis.nisoc.ir

آدرس: مسجدسلیمان - باغ ملی میدان شهدای نفت - اداره تدارکات و امور کالا - شرکت بهره‌بردار نفت و گاز مسجدسلیمان کد پستی ۶۴۹۱۱۳۴۱ تلفن شرکتی ۲۲۵۴۲-۲۲۵۴۱ تلفن: ۴۳۲۱۱۹۱۸-۰۶۱

امور حقوقی و پیمانها - روابط عمومی شرکت بهره‌بردار نفت و گاز مسجدسلیمان

۹۱۲

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازار روبه نزول

تصویر بازار کار چگونه است؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد
 نگاهی به آخرین آمارهای رسمی مربوط به بازار کار کشور نشان می‌دهد که در تابستان ۱۴۰۴ نرخ مشارکت اقتصادی به ۴۰/۸ درصد رسیده است. نرخ مشارکت اقتصادی که نسبت جمعیت شاغل یا در جست‌وجوی کار به کل جمعیت در سن کار است. به زبان ساده این شاخص نشان‌دهنده سهم افرادی است که از میان کسانی که امکان کار دارند، وارد بازار کار شده‌اند. این شاخص، میزان تمایل و امکان مردم برای کار کردن را منعکس می‌کند. بر اساس شاخص‌های جهانی، نرخ مشارکت اقتصادی زیر ۵۰ درصد هشداردهنده تلقی می‌شود، نرخ‌های نزدیک یا پایین‌تر از ۴۵ درصد در اغلب کشورها، نشانه بحران ساختاری بازار کار محسوب می‌شوند و نرخ‌های حوالی ۴۰درصد و کمتر معمولاً تهدیدآمیز هستند و بیانگر خروج گسترده نیروی کار از اقتصاد هستند.

تداوم این روند نزولی در نرخ مشارکت اقتصادی پیامدهای عمیق‌تری برای اقتصاد ایران به همراه دارد که فراتر از آمارهای بازار کار است. زمانی که بخش قابل‌توجهی از جمعیت در سن کار، انگیزه یا امکان ورود به بازار کار را از دست می‌دهد عملاً بخشی از ظرفیت بالقوه تولید کشور بلااستفاده می‌ماند. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد ایران با محدودیت‌های شدید منابع مالی، تحریم‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری مواجه است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند؛ چراکه نیروی انسانی یکی از معدود مزیت‌های باقی‌مانده اقتصاد کشور محسوب می‌شود. یکی از ابعاد مهم کاهش نرخ مشارکت، تغییر ترکیب جمعیت غیرفعال است. در سال‌های اخیر، سهم جوانان تحصیل کرده، زنان و حتی نیروی کار ماهر از جمعیت غیرفعال افزایش یافته است. بخشی از جوانان پس از تجربه بی‌کاری‌های طولانی‌مدت یا اشتغال در مشاغل ناپایدار و کم‌درآمد عملاً از جست‌وجوی کار منصرف می‌شوند. این ناپایدی شغلی نه‌تنها نرخ مشارکت را کاهش می‌دهد بلکه آثار روانی و اجتماعی گسترده‌تری نیز به دنبال دارد؛ از کاهش اعتماد به آینده گرفته تا تشدید مهاجرت نیروی انسانی. از سوی دیگر، تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصاد کلان باعث شده که رابطه میان کار و معیشت تضعیف شود. در شرایطی که حتی اشتغال تمام‌وقت نیز تضمین‌کننده حداقل‌های زندگی نیست، انگیزه برای ورود یا ماندن در بازار کار کاهش می‌یابد. بسیاری از خانوارها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که هزینه‌های کار کردن از جمله هزینه رفت‌وآمد، فرسودگی جسمی و زمانی با دستمزد دریافتی همخوانی ندارد. این مسئله به‌ویژه در شهرهای بزرگ و برای مشاغل خدماتی و غیررسمی شدت بیشتری دارد.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی همچنین رابطه مستقیمی با گسترش اقتصاد غیرمولد دارد. بخشی از افرادی که در آمار رسمی جزو جمعیت غیرفعال محسوب می‌شوند، در عمل به فعالیت‌هایی روی آورده‌اند که ارزش افزوده پایینی دارند یا خارج از چرخه رسمی اقتصاد انجام می‌شوند؛ از فعالیت‌های سوداگرانه خرد گرفته تا اشتغال‌های مقطعی و ناپایدار. این نوع فعالیت‌ها اگرچه ممکن است به بقای کوتاه‌مدت افراد کمک کند اما در بلندمدت به تضعیف پایه‌های تولید، کاهش بهره‌وری و تعمیق نابرابری منجر می‌شود. ادامه این وضعیت، دولت را نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. کاهش مشارکت اقتصادی به معنای کاهش پایه مالیاتی، افزایش فشار بر نظام‌های حمایتی و بازنشستگی و در نهایت تشدید کسری بودجه است. در چنین شرایطی، دولت برای جبران کسری‌ها ناچار به استفاده از ابزارهایی می‌شود که خود به تورم و بی‌ثباتی بیشتر دامن می‌زنند و این چرخه معیوب، بار دیگر انگیزه فعالیت اقتصادی را تضعیف می‌کند.

نکته قابل توجه آن است که تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی صرفاً با سیاست‌های مقطعی یا دستوری امکان‌پذیر نیست. بهبود پایدار این شاخص نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات هم‌زمان در حوزه رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد کلان، کیفیت مشاغل، نظام دستمزد و فضای کسب‌وکار است.

آگهی فقدان سند مالکیت
(شماره نامه : ۰۱۰۴۵۴۵۶۱۶۰۰۴۸۵۶۱۴)
آقای باقر کولیوند با تقدیم دو برگ استشهادیه مصدق شده مدعی است که سند مالکیت پلاک ۳۰۰ فرعی از ۱۳۳ – اصلی با مشخصات ذیل: مشخصات ملک: یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۳۰۰ فرعی از ۱۳۳ اصلی مشخصات مالکیت: مالکیت باقر/کولیوندی بعنوان مالک شش دانگ عرصه با شماره سند مالکیت ۱۲۹۸۰ تاریخ ۰۶/۲۸/۱۴۰۱ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۷۵ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره جایی ۵۴۸۱۸۱ سری سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۱۰۱۲۹۰۰۱۰۳۱۶۰۰۱۴۰۱۲۰ ثبت گردیده است. بر اثر سهل انگاری مفقود گردیده لذا مراتب طبق ماده ۱۲۰ – [بین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می شود تاچنانچه فردای افرادی مدعی فحاج معامله باوجود سندمالکیت درنزد آنان میباشد ازتاریخ انتشاراین آگهی به مدت ۱۰ روز مراتب زایه این اداره اعلام دارند درغیر اینصورت نسبت به مصورسند مالکیت طبق مقررات اقدام وسند مالکیت زولیه ازدرجه اعتبارساقط وابطال خواهد شد. ۷۴/۶/ محمد عباسی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه –ناچیه یک

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

زیان دیدگان جراحی

کدام گروه‌ها از حذف ارز ترجیحی زیان می‌بینند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

حذف یا اصلاح ارز ترجیحی یکی از بحث‌برانگیزترین تصمیم‌های اقتصادی چند دهه گذشته است. تصمیم سختی که اگرچه در ظاهر یک سیاست فنی برای اصلاح بازار ارز و کاهش رانت تلقی می‌شود اما در عمل با لایه‌های عمیق منافع گروهی و شبکه‌های قدرت گره خورده است. برای درک اینکه کدام گروه‌ها از حذف ارز ترجیحی زیان می‌بینند، ابتدا باید فهمید که این سیاست طی سال‌های گذشته چه گروه‌هایی را منتفع کرده و چگونه منافع آنها تثبیت شده است.

در تحلیل اقتصاد سیاسی، همواره تأکید می‌شود که سیاست‌های اقتصادی خنثی نیستند و به‌طور طبیعی گروه‌هایی را منتفع و گروه‌هایی را متضرر می‌کنند. نظام چندنرخ‌ی ارز در ایران یکی از روشن‌ترین مصادیق این موضوع است. در این نظام، بخشی از فعالان اقتصادی به ارزی دسترسی دارند که فاصله قابل‌توجهی با نرخ ارز بازار آزاد دارد. همین فاصله، منشأ شکل‌گیری رانت، فساد و شبکه‌های غیرشفاف شده است. ارز ترجیحی نه‌تنها یک ابزار حمایتی بلکه به مرور به یک منبع توزیع امتیاز تبدیل شده که گروه‌های خاصی توانسته‌اند، دسترسی پایدار به آن پیدا کنند. مهم‌ترین گروه‌های منتفع از نرخ پایین ارز، واردکنندگانی هستند که کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی، دارو یا مواد اولیه را با ارز ترجیحی وارد می‌کرده‌اند. این گروه‌ها صرفاً از واردات قانونی سود نمی‌برند بلکه از شکاف قیمتی میان ارز دولتی و بازار آزاد نیز بهره قابل‌توجهی کسب می‌کردند. به بیان ساده، هر جا دو قیمت برای یک کالا یا یک ارز وجود دارد، انگیزه برای آربیتراژ و سوء استفاده نیز شکل می‌گیرد. این انگیزه در اقتصاد ایران، به‌دلیل ضعف نظارت و گستردگی تحریم‌ها، شدت بیشتری داشته است. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های سوء استفاده، پیش‌اظهاری در فاکتورهای وارداتی بوده است که به آن «اور اینوویس» می‌گویند و زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت یک کالا یا خدمت در فاکتور، بیشتر از قیمت واقعی آن ثبت می‌شود. اور اینوویس یکی از مصادیق رانت و فساد تجاری در نظام‌های چندنرخ‌ی ارزی محسوب می‌شود. سال‌های متمادی واردکنندهای که ارز ترجیحی دریافت می‌کرد، می‌توانست با فروشنده خارجی توافق کند که قیمت کلای وارداتی را بالاتر از قیمت واقعی در

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

افت نفتی

چرا صادرات نفت ایران کاهش یافت؟

مهتا معرفت
مترجم

صادرات نفت ایران در دسامبر به ۱.۴ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرده که کمترین میزان در ۲۰ ماه اخیر است و مقصد ۹۵ درصد نفت صادراتی ایران نیز کشور چین است. کاهش صادرات نفت ایران در ماه دسامبر به حدود ۱.۴ میلیون بشکه در روز را می‌توان حاصل هم‌زمانی

اسناد ثبت کند. تفاوت میان قیمت واقعی و قیمت ثبت‌شده به‌صورت ارز از کشور بیرون می‌رفت و میان طرفین تقسیم می‌شد. در این فرآیند، هم واردکننده داخلی سود می‌برد و هم فروشنده خارجی، درحالی که هزینه اصلی آن از منابع عمومی کشور پرداخت می‌شد. علاوه بر بیش‌اظهاری، واردات کالاهای بی‌کیفیت یا با کیفیت پایین نیز یکی دیگر از روش‌های بهره‌برداری از ارز ترجیحی بوده است. در بسیاری از موارد، کالایی که با ارز یارانه‌ای وارد کشور می‌شد از نظر کیفیت با نمونه‌های استاندارد فاصله داشت اما به قیمت کلای باکیفیت در بازار داخلی عرضه می‌شد. این‌ موضوع نه‌تنها باعث اتلاف منابع ارزی شده بلکه به مصرف‌کننده نهایی نیز آسیب زده است.

در کنار واردکنندگان، شبکه‌ای از واسطه‌ها، شرکت‌های صوری، فعالان حمل‌ونقل، بیمه و حتی برخی نهادهای نظارتی ناکارآمد نیز به‌طور غیرمستقیم از تداوم ارز ترجیحی منتفع شده‌اند. به مرور زمان، این منافع پراکنده به شبکه‌هایی منسجم و بعضاً مافیایی تبدیل شده که هم در داخل کشور و هم در کشورهای طرف معامله ریشه دوانده‌اند. چنین شبکه‌هایی معمولاً در برابر هرگونه اصلاح ساختاری مقاومت می‌کنند زیرا بقای آنها به تداوم رانت وابسته است. حذف یا کاهش ارز ترجیحی به‌طور طبیعی این شبکه‌ها را با زیسان مواجه می‌کند. با از بین رفتن شکاف قیمتی، انگیزه‌های رانتی کاهش می‌یابد و بخش مهمی از درآمدهای غیرشفاف از دست می‌رود. به همین دلیل است که اصلاح نظام ارزی همواره با فشارهای سیاسی، رسانه‌ای و حتی اجتماعی همراه می‌شود. گروه‌های ذی‌نفع تلاش می‌کنند با برجسته کردن پیامدهای کوتاه‌مدت، مانند افزایش قیمت‌ها یا فشار بر اقشار ضعیف، سیاست‌گذار را از ادامه مسیر منصرف کنند. با اجرای سیاست جدید و حرکت به سمت حذف یا محدودسازی ارز ترجیحی، ترکیب گروه‌های منتفع در اقتصاد تغییر می‌کند و برخلاف تصور رایج، همه آثار این سیاست منفی نیست. نخستین گروهی که از این تغییر منتفع می‌شود، دولت و نظام بودجه‌ای کشور است. حذف ارز ترجیحی باعث کاهش فشار بر منابع ارزی، شفاف‌تر شدن دخل‌وخرج دولت و محدود شدن رانت‌های پنهان می‌شود. در نتیجه امکان مدیریت کارآمدتر منابع و هدفمندتر شدن سیاست‌های حمایتی افزایش می‌یابد. گروه بعدی تولیدکنندگان داخلی هستند که در سال‌های گذشته ناچار بودند با کالاهای وارداتی یارانه‌ای رقابت کنند. ارز ترجیحی عملاً قیمت تمام‌شده واردات را به‌صورت مصنوعی پایین

چند عامل سیاسی، اقتصادی و فنی دانست که در کنار هم، فشار قابل توجهی بر جریان فروش نفت وارد کرده‌اند. این افت، به‌ویژه از آن جهت مهم است که حدود ۹۵ درصد نفت صادراتی ایران راهی چین می‌شود و همین تمرکز بالا، آسیب‌پذیری صادرات را افزایش داده است.

یکی از عوامل اصلی کاهش صادرات، تشدید نظارت‌ها و فشارهای تحریمی آمریکا در ماه‌های پایانی سال بوده است. اگرچه ایران طی سال‌های اخیر توانسته با استفاده از شبکه‌های پیچیده فروش، ناوگان نفتکش‌های غیرشفاف و تخفیف‌های قیمتی تحریم‌ها را دور بزند اما افزایش حساسیت آمریکا نسبت به زنجیره تأمین نفت ایران، به‌ویژه در ارتباط با پالایشگاه‌ها و شرکت‌های واسطه چینی، باعث احتیاط بیشتر خریداران شده است. این احتیاط معمولاً به معنای کاهش موقت خرید یا تعویق محموله‌هاست نه قطع کامل واردات. عامل دوم به شرایط بازار چین بازمی‌گردد. اقتصاد چین در ماه‌های اخیر با رشد کمتر از انتظار، کاهش تقاضای داخلی و افت حاشیه سود پالایشگاه‌ها مواجه بوده است.

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه

شرکت سهامی آب منطقه ای فارس در نظر دارد «خدمات بهره‌برداری خط انتقال **ثقلی** از سد **دروذن** تا **تصفیه‌خانه، مخزن مرتفع تا تونل، مخزن متعادل کننده تا معالی‌آباد**» را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی با مشخصات زیر بر اساس قانون برگزاری مناقصات به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
(۱) محل انجام کار: استان فارس – خط دوم آبرسانی به شیراز از سد درودزن
(۲) مدت انجام کار: ۲۴ ماه شمسی می باشد.
(۳) خلاصه کارهای موضوع مناقصه: بهره‌برداری شامل: انتقال آب از سد درودزن به تصفیه خانه آب– انتقال آب از مخزن مرتفع تا مخزن متعادل کننده و متعاقبا انتقال آب به مخازن معالی آباد– بهره برداری از مخزن متعادل کننده و تعمیرات و نگهداری شامل: تعمیرات و نگهداری برنامه ریزی شده بر اساس دستور العمل های بهره برداری و PM۱های دوره ای- بازبینیهای روزانه و تعمیرات ناشی از آن- تعمیرات خرابی های ناگهانی و برنامه ریزی شده
(۴) اعتبار پروژه: از محل اعتبارات جاری شرکت سهامی آب منطقه ای استان فارس تأمین گردیده است.
(۵) بر آورد پایه انجام کار به مبلغ ۲۰۳.۹۰۲.۲۳۷.۸۴۷ ریال بر اساس فهرست بهای رشته بهره‌برداری آب شرب سال ۱۴۰۴ می -باشد.
(۶) مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار ۰۰۰.۰۰۰.۱۹۶.۱۰ (ده میلیارد و یکصد و نود و شش میلیون) ریال است که می‌بایست طبق شرایط تعیین شده در اسناد مناقصه تهیه و در پاکت «الف» پیشنهاد ارائه گردد.
(۷) ارزیابی کیفی مناقصه مطابق با آئین نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات و

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

نگه می‌داشت و تولید داخل را در موقعیت نابرابر قرار می‌داد. با اصلاح این سیاست، مزیت نسبی تولید داخلی تقویت می‌شود و بنگاه‌هایی که توان رقابت دارند، فرصت بیشتری برای افزایش سهم بازار پیدا می‌کنند. گروه بعدی فعالان اقتصادی شفاف و غیررانتی‌اند. شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که بدون دسترسی به ارز ترجیحی فعالیت می‌کردند، همواره در مقایسه با رقبای رانتی در موقعیت ضعیف‌تری بودند. حذف این امتیاز ویژه، فضای رقابت را عادلانه‌تر و امکان رشد برای بازیگران سالم‌تر اقتصاد را فراهم می‌کند. این موضوع در بلندمدت به بهبود محیط کسب‌وکار منجر می‌شود. مصرف‌کنندگان نیز در صورت اجرای درست سیاست می‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند. اگر منابع آزادشده از حذف ارز ترجیحی به‌صورت مستقیم و هدفمند صرف حمایت از دهک‌های پایین شود، کارایی حمایت اجتماعی افزایش می‌یابد و اتلاف منابع کاهش پیدا می‌کند. در چنین حالتی به‌جای یارانه پنهان که عمدتاً نصیب واسطه‌ها می‌شد، یارانه آشکار به مصرف‌کننده واقعی می‌رسد. در انتهای این زنجیره، اقتصاد کلان کشور نیز از کاهش فساد، افزایش شفافیت و محدود شدن شبکه‌های رانتی منتفع می‌شود. هرچند این منافع در کوتاه‌مدت کمتر قابل مشاهده‌اند اما در بلندمدت می‌توانند به ثبات بیشتر، اعتماد بالاتر و تصمیم‌گیری عقلانی‌تر در اقتصاد منجر شوند.

تجربه تاریخی اقتصاد ایران

در دهه‌های گذشته، نظام چندنرخ‌ی ارز قاعده بوده و نظام تک‌نرخ‌ی بیشتر به‌عنوان یک استثنا یا دوره گذار تجربه شده است. فعالان اقتصادی باتجربه این واقعیت را می‌دانند و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. بسیاری از ذی‌نفعان ارز ترجیحی ممکن است حذف آن را یک وضعیت موقتی تلقی کنند و با صبر، ذخیره‌سازی کالا یا فشار سیاسی، منتظر بازگشت نظام چندنرخ‌ی بمانند. این انتظار خود می‌تواند به بی‌ثباتی بازار و اختلال در عرضه دامن بزند. در این میان باید توجه داشت که همه زیان‌دیدگان حذف ارز ترجیحی الزاماً فاسد یا رانت‌جو نیستند. برخی بنگاه‌ها که مدل کسب‌وکارشان بر اساس دسترسی به ارز ارزان شکل گرفته، بدون آنکه الزاماً درگیر فساد باشند، با افزایش هزینه‌ها مواجه می‌شوند. با این حال، تفاوت اساسی میان این گروه‌ها و شبکه‌های رانتی در این است که اولی می‌تواند با سیاست‌های حمایتی شفاف و موقت تطبیق پیدا کند اما دومی اساساً با شفافیت و رقابت ناسازگار است.

در نهایت، حذف ارز ترجیحی صرفاً یک اقدام اقتصادی نیست بلکه یک تصمیم سیاسی – اجتماعی پیچیده است که توازن منافع را تغییر می‌دهد. این سیاست منافع گروه‌های خاص واردکنندگان و شبکه‌های مرتبط با آنها را به‌طور مستقیم هدف قرار می‌دهد و طبیعی است که با مقاومت جدی روبه‌رو شود. موفقیت این اصلاح، نه‌تنها به طراحی فنی سیاست بلکه به توان دولت در مدیریت فشارهای سیاسی، تقویت نظارت و جلوگیری از بازتولید رانت در قالب‌های جدید بستگی دارد. بدون این ملاحظات، خطر بازگشت به نظام چندنرخ‌ی و تکرار چرخه فساد همچنان وجود خواهد داشت.

پالایشگاه‌های مستقل چینی که خریداران اصلی نفت ایران هستند، در دوره‌هایی که حاشیه سودشان کاهش می‌یابد معمولاً واردات را مدیریت کرده و ترجیح می‌دهند از ذخایر موجود استفاده کنند. در چنین شرایطی حتی نفت ارزان‌تر ایران هم ممکن است برای مدتی بسا کاهش تقاضا روبه‌رو شود. مسئله دیگر به مدیریت عرضه از سوی خود ایران مربوط است. ایران در برخی مقاطع، به‌جای افزایش صادرات، ترجیح می‌دهد بخشی از نفت تولیدی را ذخیره کند یا به‌صورت شناور روی نفتکش‌ها نگه دارد تا در زمان مناسب‌تری به فروش برساند. این تصمیم می‌تواند ناشی از انتظار برای بهبود قیمت‌ها، تغییر شرایط سیاسی یا کاهش ریسک‌های حمل‌ونقل باشد. بنابراین کاهش صادرات لزوماً به معنای کاهش تولید نیست بلکه گاهی یک انتخاب تاکتیکی است. از سوی دیگر محدودیت‌های لجستیکی و فنی نیز نقش دارند. ناوگان نفتکش‌های مورد استفاده برای صادرات ایران عمدتاً قدیمی و تحت فشار تحریم‌هاست. هرگونه اختلال فنی، تأخیر در بیمه، یا مشکل در بنادر مقصد می‌تواند به‌طور مستقیم، حجم صادرات ماهانه را کاهش دهد.

 وزارت نیرو شرکت مدیریت منابع آب ایران شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس
اصلاحات آن صورت می‌پذیرد. ۸) شرکتهای دارای گواهینامه صلاحیت معتبر در «رشته آب با حداقل پایه ۵» و دارا بودن سوابق اجرایی معتبر مجاز به شرکت در فرآیند مناقصه می‌باشند. ۹) دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه از تاریخ انتشار این آگهی لغایت ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir و با پرداخت هزینه ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال امکان-پذیر می باشد. ۱۰) آخرین مهلت بارگذاری نسخه الکترونیکی مدارک مناقصه در سامانه ستاد و تحویل نسخه فیزیکی پاکت (الف) پیشنهاد به مناقصه گزار (با رعایت موارد مندرج در اسناد مناقصه)، ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ می‌باشد. ۱۱) محل تحویل نسخه فیزیکی پاکت (الف) پیشنهاد مناقصه، آدرس: شیراز، بلوار ارم، شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس، مدیریت قرارداده‌ا، اتاق ۳۶۲ می‌باشد. ۱۲) جلسه مناقصه با حضور نمایندگان مناقصه‌گرایانی که مایل به حضور باشند (همراه داشتن معرفی نامه الزامی است)، در ساعت ۰۹:۳۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ در محل شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس برگزار خواهد شد. تنها پاکت پیشنهاد مناقصه‌گرایانی که در ارزیابی کیفی حایز امتیاز لازم شده باشند، گشوده خواهد شد. ۱۳) در صورت ابهام در اسناد مناقصه، مناقصه‌گران می‌توانند با مدیریت قراردادهای شرکت به آدرس فوق‌الذکر مکاتبه و یا با شماره تلفن ۰۷۱۳۲۲۵۰۷۰۲ تماس حاصل نمایند. ۱۴) وب سایت جهت بازبینی آگهی فراخوان به آدرس WWW.WRMIR و WWW.FRRW.IR و WWW.SETADIRAN.IR و IETS.MPORGI.R می‌باشد.
مدیریت قراردادهای شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس

هر بازرگان ۲۰ دقیقه

بازرگانان کشور با حضور ناظر می‌توانند ۲۰ دقیقه از اینترنت بین‌الملل استفاده کنند



گروه اجتماعی: با آغاز محدودیت‌های اینترنت در ایران، دسترسی‌ی تجار به فضای دیجیتال با مشکلات قابل‌توجهی روبه‌رو شده است. رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، مجیدرضا حریری، از این مشکلات پرده برداشته و اعلام کرده است که دارندگان کارت بازرگانی تنها می‌توانند، روزانه ۲۰ دقیقه با حضور ناظر از اینترنت استفاده کنند، چیزی که به گفته او به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیازهای تجار نیست. او افزود که این زمان محدود تنها برای چک کردن چند ایمیل کافی است و نمی‌تواند، پاسخگوی فعالیت‌های اقتصادی گسترده و پیچیده باشد. اینترنت برای بازرگانان ابتدا از ۲۵ دی ماه در برخی اتاق‌های بازرگانی کشور فعال شد. بر اساس گزارش‌ها در تهران و چند شهر دیگر، اینترنت به‌طور محدود برای تجار فعال شده است. آنها برای دسترسی به این اینترنت نیاز دارند که ثبت‌نام کنند و پس از تأیید اطلاعات و با حضور ناظر، تنها برای مدت کوتاهی از اینترنت استفاده کنند. این روند، البته به‌ویژه در شرایط بحرانی، مشکلاتی جدی ایجاد کرده است. تجار می‌گویند که این زمان محدود حتی برای انجام امور روزمره کاری مانند ارسال ایمیل و دسترسی به اسناد ضروری کفایت نمی‌کند. درحالی که اتاق بازرگانی تهران به‌عنوان نخستین اتاق در کشور، اینترنت را برای تجار فراهم کرده است این اتصال به‌طور کامل کنترل‌شده است. معاون توسعه

عضویت و خدمات کسب‌وکار در اتاق تهران، اعظم رضایی، تأکید کرده که تجار باید پس از ثبت‌نام و اعلام اطلاعات عضویت خود، اینترنت را برای دستگاه خود دریافت کنند. این اتصال با نظارت دقیق بر عملکرد دستگاه‌ها صورت می‌گیرد و در صورت تخلف یا استفاده نادرست از آی‌پی‌ها، اطلاعات بازرگانان پایگانی و در دسترس مقامات قرار می‌گیرد. گرچه این تدابیر به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی انجام شده است اما تجار از شرایط سخت و محدودیت‌های زمانی ابراز نارضایتی کرده‌اند. یکی از فعالان اقتصادی در حوزه دارویی به زومیت گفته که اینترنت در اتاق بازرگانی برای ارسال اسناد و تبادل اطلاعات با شرکت‌های خارجی ناکافی است. او اضافه کرد که به دلیل قطعی اینترنت و مشکلات موجود، شرکت دارویی او نتوانسته، بخش مهمی از نیازهای خود را تأمین کند و به همین دلیل از تولید عقب مانده است. این موضوع به‌ویژه برای تولیدکنندگان داروهای ضروری مانند داروهای سرطان، مشکلات جدی ایجاد کرده است. محدودیت‌های بیشتری در این زمینه نیز وجود دارد. برای مثال، روز چهارشنبه ۱ بهمن‌ماه، با توجه به ازدحام تجار در اتاق بازرگانی تهران، محدودیت نیم‌ساعته برای استفاده از اینترنت برقرار شد. در این روز ۷۲۰ نفر در صف ایستاده بودند و تنها برای مدت نیم‌ساعت قادر به استفاده از اینترنت بودند.

بسیاری از تجار از این وضعیت به‌شدت گلایه دارند و می‌گویند که به دلیل این محدودیت‌ها، مجبور به ترک محل و ثبت‌نام مجدد برای دسترسی به اینترنت شدند.

خدمات کافی‌نتی!

اینترنت فراهم‌شده در اتاق‌های بازرگانی به‌هیچ‌وجه اینترنت شخصی برای بازرگانان نیست. طبق گفته‌های معاون توسعه عضویت و خدمات کسب‌وکار اتاق تهران، اینترنت تنها در دو طبقه از اتاق بازرگانی تهران برای استفاده تجار در دسترس قرار دارد و به‌طور شخصی برای هیچ‌یک از اعضا اختصاص داده نشده است. علاوه بر این، گزارش‌ها نشان می‌دهند که تجار باید اطلاعات خود را ثبت کرده و تأییدیه‌هایی را برای استفاده از اینترنت دریافت کنند. به همین دلیل، استفاده از این اینترنت بیشتر شبیه به خدمات کافی‌نت است تا دسترسی آزاد به اینترنت. مشکلات دیگری نیز در این حوزه وجود دارد. برخی بازرگانان از مشکلاتی مانند عدم دسترسی به ایمیل‌های خارجی و برگشت خوردن ایمیل‌ها شکایت دارند. یکی از تجار در این زمینه گفته است که شرکت‌های خارجی حاضر

به ارسال اسناد حیاتی از طریق واتس‌آپ نیستند و این مسئله باعث ایجاد مشکلات جدی برای کسب‌وکارها شده است. در همین حال، برخی از بازرگانان به‌دنبال راهکارهایی برای حل این مشکلات هستند. پیشنهادهایی از سوی شرکت‌ها مطرح شده که شامل دریافت آی‌پی‌های اختصاصی و قرار دادن آنها در وایت‌لیست است. این پیشنهادها از سوی برخی شرکت‌ها ارائه شده‌اند تا بتوانند دسترسی دائمی به اینترنت داشته باشند اما این امر با مخالفت‌هایی از سوی کمیسیون تحول و نوآوری اتاق بازرگانی روبه‌رو شده است. مازیار نوریخش، رئیس کمیسیون تحول اتاق بازرگانی، در این باره گفته است که این نوع اینترنت طبقاتی و گزینشی، تبعیض ایجاد می‌کند و به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست. در این میان به گفته نوریخش، خسارات ناشی از قطع اینترنت برای فعالان اقتصادی بسیار زیاد است. او افزود که در سال‌های گذشته قطعی اینترنت موجب خسارت‌های سنگینی به اقتصاد کشور شده است به‌ویژه برای صنایعی مانند حمل‌ونقل و داروسازی. با این حال، او تأکید کرد که مسئولان تصمیم‌گیرنده در کشور به این خسارات توجه نمی‌کنند و تغییرات لازم را اعمال نمی‌کنند.

جامعه

تهدید آینده

گزارش انجمن جامعه‌شناسی ایران درباره خشونت‌ها و بحران انسانی

انجمن جامعه‌شناسی ایران در واکنش به تداوم خشونت‌های گسترده در کشور و کشته شدن چندین هزار نفر از این رویدادها را به‌عنوان یک «فاجعه انسانی» و تهدیدی جدی برای انسجام اجتماعی و کرامت انسانی معرفی کرده است. در بیانیه این انجمن، با اشاره به اعتراضات سراسری، تأکید شده که این اتفاقات اگرچه برای بسیاری شوک‌آور است اما در حقیقت «بی‌سابقه و غیرقابل‌پیش‌بینی» نبوده است. کارشناسان اجتماعی پیش‌تر در سال‌های گذشته، نسبت به انباشت بحران‌ها و پیامدهای تداوم مسیرهای نادرست هشدار داده بودند، هشدارهایی که عمدتاً با بی‌توجهی ساختاری مواجه شده است.

انجمن جامعه‌شناسی ایران در این بیانیه تصریح کرده است که «تداوم خشونت‌ها و کشته شدن چند هزار انسان، که بخش قابل‌توجهی از آنان غیرنظامیان بی‌دفاع بوده‌اند، فاجعه‌ای عمیقاً انسانی است». این گروه با انتقاد از بی‌توجهی به اصول حقوق بشر، ابعاد این بحران را فراتر از آمار و ارقام دانسته و آن را نشانه‌ای از «فروپاشی اصول بنیادین کرامت انسانی» می‌داند.

در بیانیه این انجمن آمده است که «عادی شدن مرگ گسترده انسان‌ها و استمرار چرخه خشونت، آثار ویرانگری بر اعتماد اجتماعی، امنیت انسانی و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز در آینده خواهد داشت». این پیامدهای بلندمدت، به باور کارشناسان جامعه‌شناسی، نه‌تنها تهدیدی برای آینده اجتماعی و امنیت ملی است بلکه تهدیدی جدی برای وجدان جمعی کشور نیز به‌شمار می‌رود.

انجمن جامعه‌شناسی ایران همچنین تأکید کرده است که هیچ مصلحت سیاسی نمی‌تواند، توجه‌گر چنین سطحی از «رنج و ویرانی انسانی» باشد. این انجمن در چارچوب مسئولیت علمی و اجتماعی خود، خواستار «توقف فوری خشونت‌ها، احترام مؤثر به جان غیرنظامیان و پایبندی عملی به اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل انسانی» شده است. در نهایت، انجمن جامعه‌شناسی ایران با اعلام همدردی با قربانیان و بازماندگان این حوادث، بر ضرورت «عقلانیت، مسئولیت‌پذیری و تلاش جدی برای یافتن راه‌حل‌های غیرخشونت‌آمیز» تأکید کرده است تا از تداوم این چرخه مخرب جلوگیری شود. این بیانیه نه‌تنها فریاد اعتراضی به وضعیت موجود است بلکه درخواست امید برای بازسازی انسجام اجتماعی و احترام به حقوق بشر در ایران است.

سلامت

چشم‌هایشان

رئیس بیمارستان فارابی از کسانی که در اعتراضات اخیر دچار آسیب چشم و تخلیه آن شدند، سخن گفت



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

سه هفته از آغاز موج اعتراضاتی که از بازار تهران به سراسر ایران سرایت کرد، می‌گذرد. درحالی که رد یک فاجعه بزرگ در خیابان‌های تهران باقی مانده، پشت دیوارهای بلند بیمارستان فوق‌تخصصی فارابی، جنگی پنهان برای نجات «بینایی» در جریان است. بیمارستان فارابی تهران، به‌عنوان قلب تپنده چشم‌پزشکی کشور، در بازه زمانی میان ۱۸ تا ۲۲ دی ماه، روزهایی را سپری کرد که مشابه آن تنها در دوران جنگ دیده شده بود. قاسم فخرايي، رئیس بیمارستان فارابی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، آماری را ارائه داد که تکان‌دهنده است: «حدود ۱۰۰۰ بیمار با پارگی کره چشم که نیازمند عمل جراحی اورژانسی بودند به این مرکز مراجعه کرده‌اند».

این آمار تنها متعلق به یک بیمارستان است و شامل مواردی که دچار پارگی پلک، جراحات سطحی یا آسیب‌های چشمی در کلینیک‌های خصوصی و شهرستان‌ها شده‌اند، نمی‌شود. تحلیل روند مراجعات نشان می‌دهد که وضعیت تا پیش از ۱۸ دی ماه با ثبت ۵۵ مورد آسیب جدی تحت کنترل بود؛ اما از نخستین ساعات جمعه ۱۹ دی، موج عظیمی از مجروحان که عمدتاً با پرتابه‌های سرعت بالا (سلاح‌ها و پینت‌بال) هدف قرار گرفته بودند، بیمارستان را با بحران ظرفیت مواجه کرد. مریم صباغی، مترون بیمارستان، تصویری هولناک از آن ساعات ارائه می‌دهد: «ظرفیت تمام تخت‌ها اشغال بود؛ مجبور شدیم بیماران را روی تخت‌های همسره و برانکارد در راهروها بستری کنیم». شدت بحران به قدری بود که ۱۹۶ بیمار تنها در یک شب به سایر مراکز تهران ارجاع داده شدند.

روای دست‌نیافتنی دین

از منظر بااینی، برخورد ساچمه به چشم یکی از پیچیده‌ترین تروماهای جراحی است. ساچمه‌ها به دلیل جرم و سرعت بالا، نمتنها لایه‌های محافظ چشم را متلاش می‌کنند بلکه با ورود به داخل کره چشم، باعث جدایشگی شبکیه و تخریب عصب بینایی می‌شوند. به گفته دکتر فخرايي، جراحی این بیماران در چندین مرحله انجام می‌شود. مرحله اول، دوختن پارگی‌ها برای حفظ ساختار فیزیکی چشم است اما «بینایی» برای این افراد به یک مفهوم حداقلی تبدیل شده است. پزشکان هشدار می‌دهند که برای اکثر این ۱۰۰۰ نفر، دید ۱۰/۱۰ به یک روای دست‌نیافتنی تبدیل شده است. در بهترین حالت، جراحان تلاش می‌کنند، دیدی در حد ۱۰/۲ یا ۱۰/۳ (تشخیص حرکت دست

یا نور) را برای بیمار حفظ کنند. اما واقعیت تلخ‌تر اینجاست که برای بسیاری، پایان این مسیر «تخلیه چشم» (Enucleation) است تا از سرایت التهاب به چشم سالم جلوگیری شود. همچنین بسیاری از مصدومان به دلیل برخورد ساچمه به صورت با تخریب بافت‌های سینوس و بینی مواجهند که تا سال‌ها نیازمند جراحی‌های پلاستیک و زیبایی خواهد بود.

ترازوی در راهروهای بخش: از دختر بچه ۳ ساله تا تازه عروس
پشت آمارهای خشک رسمی، روایت‌های انسانی از عمق فاجعه پرده برمی‌دارند. کادر درمان فارابی شاهد حضور قربانیانی بودند که طبق پروتکل‌های بین‌المللی هیچ توجیهی برای هدف قرار گرفتن نداشتند. رئیس بیمارستان فارابی تأیید کرد که در میان مجروحان از کودک ۳ ساله تا پیرمرد دیده می‌شود؛ افرادی که به عنوان معترض یا حتی عابر پیاده (مانند یک راننده اسنپ که حین کار مورد اصابت قرار گرفته) بینایی خود را از دست داده‌اند. یکی از دردناک‌ترین روایت‌ها که در میان کادر درمان دست به دست می‌شود، مربوط به دختر جوانی است که تنها یک هفته به مراسم عروسی‌اش باقی مانده بود. شدت آسیب ساچمه‌ها به قدری زیاد بود که تیم جراحی هیچ راهی جز تخلیه هر دو چشم او نداشت. این روایت‌ها نشان‌دهنده ماهیت غیرانتخابی و کور شلیک‌هایی است که در این مدت شده است!

درمان رایگان

حسین کرمانپور، رئیس روابط‌عمومی وزارت بهداشت، اعلام کرد که طبق دستور وزیر، پذیرش تمام مصدومان حوادث اخیر در بیمارستان‌های دولتی رایگان و فرانشیز آنها صفر شده است. وی همچنین از به‌کارگیری اسلاید پیش‌کشکوت و بازنشته برای انجام عمل‌های پیچیده در تمام ساعات شبانه‌روز خبر داد. اما این سکه روی دیگری هم داشت. گزارش‌های میدانی از وجود فضای سنگین امنیتی در اطراف بیمارستان‌ها حکایت می‌کرد. بسیاری از مصدومان به دلیل ترس از بازداشت با تأخیر ۲۴ تا ۴۸ ساعته به مراکز درمانی مراجعه کردند. این تأخیر باعث شد «زمان طلایی» درمان از دست برود و مواردی که با یک جراحی ساده قابل نجات بودند به دلیل عفونت شدید به تخلیه چشم منجر شوند.

تکرار یک فاجعه در مقیاس بزرگ‌تر

تحلیل‌گران و جامعه پزشکی نمی‌توانند چشمان خود را بر شباهت سیستماتیک این حوادث با پاییز ۱۴۰۱ ببندند. در آن سال، صدها مورد آسیب چشمی مشابه، موجی از اعتراضات را در میان انجمن‌های تخصصی برانگیخت. جعفر قائم‌پناه که در سال ۱۴۰۱

به عنوان یک چشم‌پزشک برجسته به استفاده از تفنگ ساچمه‌ای علیه مردم اعتراض کرده بود، اکنون در قامت معاون اجرایی رئیس‌جمهور (مسعود پزشکیان) در قبال فاجعه‌ای مشابه سکوت اختیار کرده است. این تغییر موضع از منتقد به مقام مسئول، نمادی از چالش‌های اخلاقی نظام سلامت در مواجهه با قدرت است. انجمن چشم‌پزشکی ایران بار دیگر با انتشار نامه‌هایی خواستار توقف استفاده از سلاح‌هایی شده که مستقیماً بینایی را هدف قرار می‌دهند اما تا به امروز پاسخ روشنی از سوی نهادهای اجرایی در دریافت نشده است.

کادر درمان: قربانیان ثانویه فاجعه

فشار روانی وارده بر پزشکان و پرستاران در این بحران کمتر دیده شده است. مریم صباغی، مترون فارابی، می‌گوید کادر درمان با وجود تأثر شدید و گریه‌های پنهانی، مجبور بودند برای حفظ آرامش بیماران و خانواده‌هایشان، خود را استوار نشان دهند. مشاهده ددها جوان که در یک شب برای همیشه نابینا می‌شوند، منجر به بروز علائم PTSD (اختلال اضطراب پس از سانحه) در میان کادر درمان شده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از پرستاران و رزیدنت‌ها پس از این حوادث ناچار به مصرف داروهای اعصاب شده یا به فکر مهاجرت افتاده‌اند؛ پدیده‌ای که «ترومای ثانویه» نامیده می‌شود و می‌تواند در بلندمدت منجر به فرسودگی پزشکان پزشکی کشور شود.

پیامدهای بلندمدت: نسلی که با عصای سفید باز می‌گردد

نابینایی جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله، تنها یک ضایعه جسمی نیست؛ یک بحران اقتصادی و اجتماعی است که ابعاد آن در سال‌های آینده روشن خواهد شد. خروج این افراد از بازار کار، تحمیل هزینه‌های سنگین توان‌بخشی و جراحی‌های پروتز و از همه مهم‌تر، انزوای اجتماعی و افسردگی ناشی از تغییر چهره، باری سنگین بر دوش جامعه خواهد بود. وزارت بهداشت اگرچه فاز اورژانس را رایگان مدیریت کرد اما تاکنون هیچ برنامه‌ای برای حمایت‌های بلندمدت معیشتی و روان‌شناختی از این «جانبازان مدنی» ارائه نداده است. بسیاری از این افراد که نان‌آور خانواده‌های کم‌درآمد بودند اکنون با آینده‌ای تاریک روبه‌رو هستند. آمارهای بیمارستان فارابی فراتر از اعداد، شهادت‌نامه‌ای علیه خشونت عریان هستند. ۱۰۰۰ مورد پارگی چشم، یعنی ۱۰۰۰ زندگی که مسیرشان برای همیشه عوض شد. تکرار الگوی آسیب‌های سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که به‌رغم هشدارهای مکرر جامعه پزشکی، هیچ تغییری در برخی رویه‌ها رخ نداده است.

۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان!

روغن حלב پنج کیلوپی بالاتر از نرخ مصوب در بازار عرضه می‌شود که رئیس اتحادیه، بنکداران مواد غذایی دلیل آن را کمبود عرضه و بدهی‌های ارزی می‌داند. باشگاه خبرنگاران جوان نوشت: براساس رصدهای صورت گرفته قوطی روغن حלב ۵ کیلوپی با نرخ یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۸۵۰ هزار تومان عرضه می‌شود، درحالی‌که انجمن روغن نباتی حدود یک میلیون و ۴۵۰ هزار تومان اعلام کرده بود که این امر بدان معناست که روغن نسبت

به قبل از حذف ارز ترجیحی افزایش چشمگیری داشته است.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران
مدیرمسئول: امیر افتخاری ● سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)
محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر افتخاری
مدیرهنری: رضا دولتشزاده ● عکس: رضا معطریان
ویراستار: سعیده آرین‌فر ● حروفچین: سحر خسروچردی
نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۲۲
چاپه امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

شکست مرکز ملی فضای مجازی

این اعتراف ضمنی روشن است که تمام مسیر پیشین این مرکز و مدافعان فیلترینگ و محدودسازی، مسیری اشتباه بوده است. اگر فیلترینگ جوابگو بود که اینترنت قطع نمی‌شد پس نه‌ای که قرار بود «مدیریت» کند به «انسداد» کامل» رسید؛ یعنی آخرین ابزار کسی که دیگر هیچ ابزاری برای سیاستگذاری ندارد. این نقطه در واقع نقطه شکست است. شکست این مرکز و سیاست‌های فیلترینگ.

مسیر فیلترینگ یا عامدانه غلط طی شد، یا آگاهانه با نادیده گرفتن پیامدهایش، یا از سر ناتوانی و جهل سیاستی. در هر سه حالت، خروجی یکسان است. ایجاد رانت عظیمی برای فروشندگان فیلتر شکن. در خوش‌بینانه‌ترین سناریو یک بازار مالی نجومی به این شبکه‌ها هدیه داده شد؛ و در بدبینانه‌ترین سناریو، مسیر جاسوسی، شنود و نفوذ اطلاعاتی از طریق همین فیلتر شکن‌ها هموار گردید. هیچ‌یک از این دو سناریو قابل دفاع نیست.

در این میان، فشار سیاسی، اقتصادی و روانی واردشده بر مردم نیز غیر قابل انکار است. کسب‌وکارها آسیب دیدند، ارتباطات انسانی مختل شدند، بی‌اعتمادی تعمیق یافت و جامعه هزینه تصمیم‌هایی را پرداخت که هیچ نه‌ای مسئولیت مستقیم آن را بر عهده نمی‌گیرد. آن هم در شرایطی که مطالبه «رفع فیلتر تلگرام» به سطح ابتدایی «وصل بودن اینترنت» تنزل یافته است. این نه پیشرفت بلکه عقب‌گردی آشکار است.

با چنین کارنامی، ادامه فعالیت مرکز ملی فضای مجازی هیچ توجیهی ندارد. نخستین و ضروری‌ترین اقدام، تعطیلی فوری این نهاد است؛ نه‌ای که در مأموریت خود، شکست خورده و به ضد هدف اولیامش بدل شده است. گام دوم بازگرداندن بودجه کلان آن به مردم است؛ بودجه‌ای که می‌تواند به جای هزینه شدن در ساختارهای ناکارآمد، تحت عنوانی چون کالابریک یا حمایت معیشتی، مستقیم به حساب شهروندان واریز شود.

اصرار بر حفظ نه‌ای که خروجی‌اش قطع اینترنت، تولید رانت و افزایش ناامنی است، دیگر سیاستگذاری نیست؛ انکار واقعیت است. و واقعیت، دیر یا زود، خود را تحمیل می‌کند.

حدود سه هفته از قطعی تقریباً کامل اینترنت در ایران می‌گذرد. از ساعات اولیه بامداد ۱۹ دی ماه، اینترنت به‌دلیل اعتراضات و خشونت عربانی که در کف خیابان رخ داد با تصمیم نهادهای امنیتی قطع شد. پس از حدود دو هفته، دسترسی‌هایی محدود، ناپایدار و تبعیض‌آمیز برای گروه‌اندکی فراهم شد. همین واقعیت ساده، پیش از هر تحلیل دیگری، یک نتیجه روشن دارد: مرکز ملی فضای مجازی که با بودجه‌ای کلان و با مأموریت «صیانت از فضای مجازی» راه‌اندازی شده بود، در انجام مأموریت خود شکست خورده است.

این مرکز با ساختاری موازی با وزارت ارتباطات و هزینه‌ای سنگین تأسیس شد تا به‌عنوان قرارگاه عالی سیاستگذاری و صیانت از فضای مجازی عمل کند. فلسفه وجودی آن، بنا بر گفته‌ها و ادعاهای مدافعانش، جلوگیری از بی‌ثباتی، صیانت از مردم و کنترل تهدیدها بود. فارغ از این واقعیت بدیهی که هیچ نه‌ای حق ندارد به‌جای مردم فکر کند و به جای آنان تصمیم بگیرد، این مرکز نیز به سیاق برخی نهادهای دیگر عملاً کوشید، تعیین کند مردم چه پلتفرم‌هایی را «باید» ببینند و کدام را «نباید». در عمل اما تمام ابزار سیاستگذاری این نهاد به یک راه‌حل تقلیل یافت و آن فیلتر کردن بود.

تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب و شماری از پلتفرم‌های دیگر مسدود شدند تا دسترسی مردم محدود شود و به‌زعم طراحان، امنیت سیاسی و روانی افزایش یابد. در واقع تلاش اصلی این بود که جریان خبر کانالیزه و کنترل‌شده، منتشر شود. نتیجه اما کاملاً معکوس بود. نه پلتفرم‌های خارجی از رونق افتادند، نه مردم به سوی پلتفرم‌های داخلی کوچ کردند و نه اعتماد عمومی ترمیم شد. تنها پدیده‌ای که به‌صورت تصادفی رشد کرد، بازار فیلتر شکن‌ها بود؛ بازاری رانتی، بی‌قانون و خاسخ از هر گونه نظارت. حتی اگر مرکز ملی فضای مجازی مسبب اصلی این بازار نباشد، تردیدی نیست که خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا جاهلانه، در شکل‌گیری و گسترش آن نقش داشته است.

وقتی در نهایت، در ۱۹ دی ماه، اینترنت به‌طور سراسری قطع شد، مرکز ملی فضای مجازی عملاً به پایان خود رسید. زیرا قطع گسترده اینترنت (به‌هر دلیلی که رخ داده باشد) حامل

نقش پژاک و کوموله در فاجعه ۱۸ دی

مهدی خراطیان، دانش‌آموخته شریف و تحلیل‌گر سیاسی که از طریق شبکه‌های مجازی بسیار شناخته شده است، نوشته «نقش پژاک، کوموله و سایر گروه‌های مسلح کرد در فاجعه ۱۸ دی محرز است و در مناطق بسیاری از کشور از جمله تهران، کرج، مشهد و مناطق شمالی و... حتی استان‌هایی مثل استان یزد، این گروه‌ها در حمله به مردم معترض به شرایط اقتصادی و نیروهای امنیتی نقش داشته‌اند. سازمان مجاهدین خلق نیز نقش فعال داشته و رسماً به فعالیت خود اعتراف کرده است. آرام شدن ظاهری استان‌های مرزی با این هدف انجام شد که اولاً این امکان فراهم شود که این نیروها در کل کشور پخش شده و در به خشونت کشادن تظاهرات و کشته‌گیری حداکثری از مردم و ایجاد رعب در نیروهای امنیتی (مثل سر بردن پلیس راهور در تهران) ایفای نقش کنند. ثانیاً اگر استان‌های مرزی همزمان درگیر فاز مسلحانه می‌شد در افکار عمومی طبقه متوسط شهری شهرهایی چون تهران و مشهد شبیه تجزیه کشور تقویت و خیابان‌ها به سرعت خلوت می‌شد (امری که در روز شنبه به‌برغم دعوت پهلوی کاملاً شاهدش بودیم که ناشی از ترس مردم از شدت غیرعادی خشونت‌ها در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه بود) پس بهترین کار پخش کردن کل استعداد نیروی تجزیه‌طلب در کل کشور بوده است. تهران ابادا نباید از تبانی نیروهای تجزیه‌طلب با اسرائیل جهت کشته‌گیری و آشوب فراگیر در کشور به آسانی عبور کند و باید به گروه‌های تجزیه‌طلب، درسی تاریخی دهد. او همچنین نوشته بود: بی شک فجاجیه ۱۸ دی، کشور را تا مرز فروپاشی برد و دستگاه‌های اطلاعاتی کشور هم در مورد عوامل اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ساز و هم در مورد مشارکت گسترده کل اپوزیسیون مسلح غافلگیر شدند؛ درحالی‌که طی سه ماه اخیر و در مقاطع مختلف بارها و بارها در مورد طراحی گسترده اسرائیل و لابی آن در واشنگتن هشدار داده شده بود.

استقرار دو زیردریایی ایرانی در تنگه هرمز

عصر ایران به نقل از میدل‌ایست نوشت: ایران یک فروند زیردریایی فاتح و یک فروند زیردریایی غدیر را در تنگه هرمز مستقر کرده است؛ آرایشی که با حرکت ناو آمریکایی آبراهام لینکلن به سمت منطقه بر افزایش بازدارندگی دریایی ایران در این گذرگاه حیاتی دلالت دارد.

زیردریایی فاتح به ازدرهای سنگین، موشک‌های کروز زیرسطحی با برد ۴۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر و مین‌های هوشمند مجهز است و برای عملیات کمین و وارد کردن خسارت بالا با هزینه پایین طراحی شده است. زیردریایی غدیر نیز با قابلیت شلیک موشک، مین‌ریزی و انتقال نیروهای ویژه، نقش مکمل عملیاتی را ایفا می‌کند. دکترین این استقرار بر حملات غافلگیرانه، کمین ساحلی و خروج سریع از صحنه درگیری در تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان متمرکز است.

خواندنی‌ها

پیام پنهانی آمریکا به ایران

ماشالله شمس‌الواعظین، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، در یک برنامه عصرگاهی در شبکه تلویزیونی المپادین خبر داد، واشنگتن از طریق یک کشور ثالث به تهران اطلاع داده است که به تأسیسات ایران حمله خواهد کرد و تهران باید آنجا را جذب کند. پاسخ تهران از طریق رویترز منتشر شد و در آن آمده بود که هر گونه حمله‌ای به منزله اعلام جنگ تمام‌عیار تلقی می‌شود و پاسخ بر اساس همین فرض خواهد بود.

شورش قابلمه به دست‌ها

روزنامه شرق نوشت: در اوایل دهه ۷۰ میلادی و با روی کار آمدن دولت سسالوآور آئنده در شبلی که هدف کوتاه کردن دست شرکت‌های آمریکایی از منابع طبیعی کشور را دنبال می‌کرد، با تحریک عوامل بیگانه تظاهرات مخالفان دولت تشدید شد. آن‌ها با نمایش قابلمه‌ها و انپود می‌کردند سیاست‌های دولت ملی‌گرای آئنده موجب گسترش فقر شده و آن‌ها چیزی برای خوردن ندارند. همین اتفاق ساده اهمیت یک سلاح جدید را بر ناظران و تحلیلگران اثبات کرد و

اخراج دختر علی لاریجانی

با فشار مخالفان جمهوری اسلامی در آمریکا، دختر علی لاریجانی از یک دانشگاه آمریکایی اخراج شد. برخی از ایرانیان خارج از کشور درواکش به اتفاقات اخیر در ایران، کارزاری در این خصوص راه‌اندازی کرده بودند که منجر به این تصمیم شد. آنها پس از اخراج فاطمه اردشیرلاریجانی، کارزاری را برای اخراج لیلا خاتمی از دانشسرای یونیون نیویورک و عیسی هاشمی پسر معصومه ابتکار از دانشگاهی در آمریکا به راه انداخته‌اند. مهدی جامی، روزنامه‌نگار مقیم خارج از کشور در نقد این رفتارها نوشته به چه گناهی؟ یعنی غیر از خانم فاطمه لاریجانی، دختر و پسر هیچ مقام خارجی دیگری در دانشگاه‌های آمریکا و بریتانیا درس نمی‌خواند و درس نمی‌دهد؟ فرزندان امیران مستبد و فاسد عرب؟ الیگارش‌های روس؟ نظامیان هند و پاکستان؟ راست‌گرایان هلندی، آلمانی و لهستانی؟ فرزندان روسای پلیس فاشیست آمریکا؟

ندارد. ما مجادانه پیگیر بهبود در وضعیت دسترسی و رفع مشکلات ارتباطی موجود کسب‌وکارها و مردم عزیز هستیم.

نقدپدنگی به ۱۲ هزار همت رسید

حجت‌الاسلام سیدجوان حسینی کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس دیروز در همایش کاربرهای انرژی در شرکت ملی گاز گفت: در حال حاضر حجم نقدپدنگی در اقتصاد کشور به رقم بی‌سابقه ۱۲ هزار همت به ۱۲ میلیون میلیارد تومان رسیده است و ما باید تلاش کنیم، بخشی از این را به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی هدایت کنیم.

تعطیلی کتابفروشی غیرمذهبی قم

یکی از فعالان فرهنگی خبر داد که بزرگترین کتابفروشی غیرمذهبی قم تعطیل می‌شود. مجموعه دنیای کتاب که بزرگترین کتابفروشی غیرمذهبی قم به‌شمار می‌آید به سبب مخالفت برخی افراد با ادامه فعالیت آن در حال تعطیل شدن است و به‌زودی به لباس فروشی یا کسب و کار مشابهی تبدیل خواهد شد. علت این تعطیلی،

برگزاری یک ایونت فرهنگی و حضور همزمان زنان و مردان در کنار هم عنوان شده است.

حذف بازیگر معترض

امیر غفارمنش، بازیگر تئاتر و تلویزیون به دلیل استوری‌هایی که در حمایت از معترضان گذاشته بود از دوری جشنواره تئاتر فجر کنار گذاشته شد. کیان نوشت دلیل این برکناری «انتشار محتوای بر ساخته جریان‌های ضدایرانی و تروریستی در فضای مجازی» است. ظاهراً آقای ایرج راد جایگزین آقای غفارمنش شده است. امیر غفارمنش فرزند احمد غفارمنش، فیلمساز و زندانیان سیاسی دهه ۶۰ است.

سرقت ۶ میلیارد تومانی در روزهای اعتراض

اشکان خورشیدی، داور باسابقه و ناظر فعلی فوتبال ایران، با حادثه‌ای تلخ مواجه شد. همسر وی در روزهای اخیر موردحمله سارقان خیابانی قرار گرفت که طی آن، مقداری طلا به ارزش تقریبی ۶ میلیارد تومان به سرقت رفت. این اموال جهت خرید مسکن تهیه‌شده بود.